

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای امور بین الملل روسیه

مناسبات امروز ایران و روسیه: چالش‌ها و فرصت‌ها

فروردین ۱۳۹۳ - مارس ۲۰۱۴

شناسنامه

سر دبیر نسخه روسی:

ای.اس. ایوانف - دکترای تاریخ و عضو فرهنگستان علوم روسیه

I.S.Ivanov, Corresponding Member, RAS, Dr. of History

شورای نویسندگان:

Y.Y. Belobrov, Ph.D. in Political Science

یو.آ. بلابروف - دکترای علوم سیاسی

A.G. Volodin, Dr. of History

آ.گ. والودین، و.ای. یورتایف - دکترای تاریخ

V.I. Yurtaev, Dr. of History

S.V. Demidenko, Ph.D. in History

اس.و. دمیدنکو، و.ای. سازین - دکترای تاریخ

V.I. Sazhin, Ph.D. in History

و.ی. نوویکوف، ن.ای. کازیرف، ی.و. لانکین - استاد علوم اقتصادی

V.Y. Novikov, Ph.D. in Economics, N.I. Kozyrev, Ph.D. in Economics, Y.V. Lankin, Ph.D. in Economics

مترجمین:

فرزانه شفیعی - دکترای ادبیات روسی

نسرین عبدالمحمدی - کارشناس ارشد مطالعات روسیه

ویراستار و ناظر علمی:

ماندانا تیشه یار - دکترای مطالعات بین الملل

صفحه آرایی و طراحی جلد:

مرتضی شجاعی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار متن پارسی.....
۹	مقدمه متن روسی.....
۱۱	دستور کار جدید مناسبات روسیه و ایران <i>نویسندگان: یو.آ. بلابروف، آ.گک. والودین، ن.ای. کازیرف، ی.و. لانکین</i> <i>سرپرست نویسندگان: و.ای. ساژین، و.ای. یورتایف</i>
۱۱	مقدمه.....
۱۷	۱- عوامل داخلی در گسترش مناسبات روسیه و ایران.....
۱۷	۱-۱- نقش برنامه هسته‌ای ایران در گسترش مناسبات دوجانبه.....
۲۰	۱-۲- تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر ایران.....
۲۲	۱-۳- بعد اقتصادی مناسبات ایران و روسیه.....
۴۳	۲- عوامل خارجی در مناسبات ایران و روسیه.....
۴۳	۲-۱- تأثیر «بهار عربی» و بحران سوریه بر مناسبات ایران و روسیه.....
۴۵	۲-۲- وضعیت افغانستان، پاکستان و «فاکتور ۲۰۱۴»: تأثیرگذاری بر روابط ایران و روسیه.....
۴۷	۲-۳- چشم‌انداز همکاری‌های روسیه و ایران در منطقه خزر.....
۴۸	۲-۴- سیاست منطقه‌ای چین به‌عنوان عامل خارجی.....
۵۰	توصیه‌ها.....
۵۴	سناریوها.....
۵۷	منابع.....

وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و چشم انداز حل آن / وی. نوویکوف	۶۱
برنامه هسته‌ای ایران در دوران محمدرضا شاه پهلوی	۶۱
برنامه هسته‌ای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۶۲
برنامه هسته‌ای محرمانه ایران و تلاش به منظور حل بحران موجود	۶۳
تحریم به منزله روش «حل» بحران	۶۵
تغییر سیاست هسته‌ای ایران در شرایط نوین و دستیابی به گفت‌وگوهای ژنو	۶۵
چشم‌انداز همکاری ایران با روسیه و غرب در حوزه استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی	۷۱
منابع	۷۴

سیاست منطقه‌ای ایران و منافع روسیه / اس.و. دمیدنکو	۷۵
منابع	۸۳

پیشگفتار متن پارسی

ایران و روسیه سده‌هاست که در همسایگی یکدیگر، کنار هم نشسته‌اند و خاطرات مشترکی را با فراز و نشیب بسیار پشت سر گذاشته‌اند. گذشته از جنگ‌ها و لشگرکشی‌های بسیار که بارها به تیرگی روابط میان طرفین انجامید، آنها این فرصت را نیز داشته‌اند تا زمینه گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان دو همسایه را فراهم آورند. با اینهمه، به نظر می‌رسد که شناخت مردمان و سیاستگذاران دو کشور از یکدیگر، به واسطه تفاوت‌های زبانی و موانع سیاسی، بیشتر از راه زبان‌ها و نوشته‌های میانجی صورت گرفته و از این‌رو گاه برداشت این دو از یکدیگر، متأثر از نگاه و رویکرد کشورهای دیگر بوده است.

مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) در تلاش است تا با برگردان نوشتارهای نواز زبان روسی به پارسی، پژوهشگران و اندیشمندان ایرانی را با نوع نگاه و برداشت هم‌تایان روس خود از روابط دو کشور و رویکرد ایشان نسبت به ایران، آگاه سازد.

نوشتار پیش‌رو، گامی برای شناخت هر چه بهتر ذهن روسی نسبت به روابط ایران و روسیه است که توسط صاحب‌نظران شورای امور بین‌الملل روسیه به نگارش درآمده است. بی‌تردید چاپ این گزارش به معنای پذیرش همه گفته‌های آورده شده در آن نمی‌باشد و هدف از انتشار آن، فراهم آوردن زمینه نقد و گفت‌وگو میان اندیشمندان ایرانی و روس برای رسیدن به دیدگاه‌های مشترک در روابط دوجانبه است.

مقدمه متن روسی

مطلب حاضر در چارچوب طرح شورای امور بین‌الملل روسیه «مناسبات امروز ایران و روسیه» تهیه شده است. دو دولت از ظرفیت‌های بسیار بالایی در همکاری‌های دوجانبه برخوردار هستند که امروزه از همه آنها بهره‌برداری کامل نمی‌شود. پیشرفت‌های به دست آمده در گفت‌وگو بر سر برنامه هسته‌ای ایران و چشم‌انداز کاهش تحریم‌ها علیه ایران، فرصت‌های تازه‌ای برای گسترش و تقویت مناسبات دوجانبه روسیه و ایران به وجود آورده است. نوشتار پیش‌رو، به تحلیل شرایط کنونی مناسبات بازرگانی - اقتصادی دو دولت، برنامه‌های قابل تحقق در همکاری‌های منطقه خزر، آسیای مرکزی و خاورمیانه، ظرفیت تعاملات بعدی و حضور روسیه در حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد. تحلیل‌گران به برنامه‌های مشخصی اشاره کرده و توصیه‌هایی برای گسترش گفت‌وگوهای دوجانبه و اقداماتی به منظور ارتقا همکاری‌های دو کشور به سطحی نو و بالاتر پیشنهاد می‌کنند.

نقطه نظرات طرح شده در این مطلب منحصر به نویسندگان بوده و می‌تواند با نگاه دفتر «شورای امور بین‌الملل روسیه» یکسان نباشد.

دستور کار جدید در مناسبات روسیه - ایران

نویسندگان: یو.آ. بلابروف، آ.گ. والودین، ن.ای. کازیرف، ی.و. لانکین
سرپرست نویسندگان: و.ای. ساژین، و.ای. یورتایف

مقدمه

ایران با به دست آوردن مهم‌ترین جایگاه نظامی - استراتژیک، یکی از دولت‌های خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی و حاشیه دریای خزر نیز هست. همه نقاط مسأله‌دار در این منطقه به اشکال گوناگون با ایران ارتباط پیدا می‌کنند. به همین خاطر در عمل، بخش بزرگ مشکلات داخلی منطقه، با حضور ایران حل و فصل می‌شوند و یا حضور ایران در حل آنها مؤثر است. در این خصوص می‌توان به اختلافات قومی و دینی، رویارویی نظامی و اقتصادی، وضعیت پناهندگان، پیامدهای منفی تجارت مواد مخدر، تروریسم و جدایی‌خواهی اشاره کرد.

ایران به‌عنوان صادرکننده منابع هیدروکربنی و هم‌چنین نقطه ترازوی محصولات نفت و گاز، نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه آسیای جنوب غربی و همسایه‌های این منطقه دارد. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از صنعتی توسعه‌یافته، می‌تواند یکی از بزرگترین پیشرفته‌ترین ارتش‌های منطقه را در حالت آماده باش نگه دارد. با استناد به منابع گوناگون می‌توان گفت که شمار سربازان این ارتش بین ۵۴۰ تا ۹۰۰ هزار تن است. این عوامل ایران را به بازیکنی مؤثر در تامین امنیت منطقه تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی ایران کنترل نسبی بر تنگه هرمز دارد که از نظر استراتژیک راهروی مهم ترازوی برای قدرت‌های بزرگ است. این تنگه محل گذر بیش از ۴۰ درصد صادرات نفت جهان از راه دریاست.

فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در حدود ۹۰ سال پیش سنگ بنای مناسبات دیپلماتیک را گذاشتند و از آن هنگام مسأله اعتماد متقابل، آمادگی برای گفت‌وگو و

تعاملات برای برپایی صلح و امنیت، حسن همجواری و توسعه، موضوعات کلیدی در مناسبات دو کشور هستند. امروز دستور کار کمی جدی‌تر می‌شود، زیرا اوضاع در خاورمیانه و خاور نزدیک به سرعت در حال تغییر است و مناسبات ایران و روسیه می‌تواند نقش بسیار مهمی در روند این رویدادها داشته باشد.

ایران برای روسیه پیش از هر چیز به‌عنوان یک شریک در منطقه و به‌ویژه برای رویارویی با نفوذ ایالات متحده در آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه، خاور نزدیک و هم‌چنین خلیج پارس از اهمیت برخوردار است. رقابت‌های پیشین ایران و روسیه برای نفوذ سیاسی - فرهنگی در آسیای مرکزی و قفقاز جای خود را به منافع مشترک برای مبارزه با تلاش «رهبران تازه جهان» در این منطقه داده است. یکی از کارهای نه‌چندان دور این رهبران جدید، تحریکات پشت پرده در جریان «انقلاب نارنجی» بود. بعید نیست که مشابه این تحریکات امروز یا فردا هم تکرار شود. کافی است در این رابطه به موضع‌گیری سنجیده ایران (برخلاف دیگر کشورهای اسلامی) در رابطه با رویدادهای چین، تاجیکستان و اوستیای جنوبی نگاهی بیندازیم. رهبر ایران همچون رهبر روسیه خواستار مبارزه با تروریسم بین‌المللی و از جمله تروریست‌های فعال در قلمروی افغانستان است. در اینجا مواضع ما با هم یکسان هستند.

نزدیک شدن روسیه و ایران حتی به‌صورت غیرمستقیم، حاصل سیاست‌های دولت‌های غربی است. پژوهشگران روس و خارجی منصفانه اشاره کرده‌اند که روسیه و ایران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ادعای کشورهای غربی برای رهبری جهان نوین چند قطبی، بدون خواست خودشان به متحد یکدیگر تبدیل شده‌اند. روسیه و ایران مجبور هستند با خط مشی ایالات متحده و ناتو در برپایی «نظم نوین» که سازمان ملل متحد را در جایگاه دوم قرار داده و سرنوشت کشورها را تا حد زیادی به تصمیم‌گیری «رهبران تازه جهان» وابسته می‌سازد، برخورد کنند. گفت‌وگوهای ولادیمیر پوتین با محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۷ میلادی گواهی است بر تلاقی نقطه نظرات روسیه و ایران در این مسأله کلیدی. هنگام برگزاری اجلاس خزر در تهران، هر دو طرف درباره «همکاری‌های دو کشور با هدف ایجاد نظم جهانی هر چه منصفانه‌تر و مردم‌سالارتر به گونه‌ای که تأمین‌کننده امنیت جهانی و منطقه‌ای بوده و شرایط را برای توسعه همه‌جانبه فراهم سازد»

گفت و گو کردند. سال ۲۰۱۴، ولادیمیر پوتین از آغاز مرحله نوین مناسبات ایران و روسیه سخن گفت.

منافع روسیه در مناسبات دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران می تواند به شکل زیر باشد:

۱- گسترش همکاری های اقتصادی، از جمله در حوزه فنی - نظامی، افزایش حجم گردش کالا در حوزه همکاری های تجاری - اقتصادی شاهد افت قابل توجه هستیم. تحریم های وضع شده علیه ایران در بخش پولی و بانکی، تأثیر منفی بر همکاری ها گذاشته است. طبق آمارهای خدمات فدرال گمرک روسیه، در سال ۲۰۱۲، حجم گردش کالا میان روسیه و ایران تا ۳۷،۹٪ به نسبت سال ۲۰۱۱ کاهش داشته و به ۲،۳۳ میلیارد دلار آمریکا رسیده است. صادرات روسیه به ایران نیز تا ۴۴،۱٪ افت کرده و به ۱،۹ میلیارد دلار رسید. از طرف دیگر واردات روسیه از ایران تا ۲۱،۸٪ رشد کرده و به ۴۲۸،۵ میلیون دلار رسید. سهم ایران در حجم بازرگانی خارجی روسیه در سال ۲۰۱۲ میلادی ۰،۴۷٪ بود.

از سال ۲۰۰۶ (نخستین بسته تحریم های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران)، تنها پروژه های بزرگ انجام گرفته توسط شرکت های روسی در ایران (به غیر از فروش مواد خام)، احداث «نیروگاه اتمی بوشهر» (شرکت اتم استروی اکسپورت) و برق رسانی به مسیر ریلی تبریز - آذرشهر (شرکت راه آهن روسیه، مبلغ پروژه ۸/۸۵ میلیون یورو) بوده است. در زمان تحریم ها، برخی از شرکت های ایرانی در جهت گیری های خود برای همکاری با روسیه تغییراتی دادند. اما این فرصت از سوی دو طرف (ایران و روسیه) به اندازه کافی مورد بهره برداری قرار نگرفته است. چشم انداز کاهش تحریم های اقتصادی علیه ایران که به از سرگیری گفت و گوها در اواخر ماه نوامبر ۲۰۱۳ در ژنو مربوط می شود، به این معناست که به محض باز شدن درهای ایران، روسیه با رقبای سرسختی در بازار ایران روبرو خواهد شد.

۲- حل هر چه سریع تر برنامه هسته ای ایران و همکاری های بعدی در حوزه عدم گسترش هسته ای

از سال ۲۰۰۶ مسکو از چهار قطعنامه تدوین شده در شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با ضرورت اجرای دستورات سازمان ملل و آژانس بین المللی هسته ای توسط ایران پشتیبانی کرده است. این اسناد طیف گسترده ای از تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران را در بر می گیرند. علاوه بر این، رئیس جمهور دیمیتری مدودیف با استناد به قطعنامه ۱۹۲۹

شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰، دستور منع فروش سامانه‌های موشکی اس - ۳۰۰ به تهران را صادر کرد. - موضع مسکو در خصوص برنامه هسته‌ای ایران (از جمله تعویق در راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر) نارضایتی‌های تهران را به دنبال داشت. با این حال ایران به خوبی آگاه است که روسیه به‌عنوان عضو گروه میانجیان بین‌الملل «۵+۱» شامل پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان، همه امکانات خود را به کار گرفته و می‌گیرد تا مانع تشدید تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران باشد و از حقوق ایران در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای پشتیبانی کند. مسکو این اقدامات را در چارچوب برنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی انجام می‌دهد. روسیه از تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و برخی دیگر کشورها علیه ایران پشتیبانی نکرده است و این تحریم‌ها برای جمهوری اسلامی ایران حساس‌تر (اگر نگوئیم تخریب‌کننده‌تر) از تحریم‌های سازمان ملل بوده‌اند. روسیه در حل برنامه هسته‌ای ایران به موضع‌گیری فعال خود ادامه می‌دهد و این مسأله به نفع اوست، زیرا در غیر این صورت دیگر میانجیان می‌توانند روسیه را به جایگاه پایین‌تر در تصمیم‌گیری‌ها بکشانند. این موضع‌گیری روسیه در نهایت به انجام کامل تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کمک کرده و در عین حال، اعتماد لازم از طرف ایران را نیز حفظ می‌کند.

موضع روسیه در این مسأله سهم قابل توجهی در پیشرفت‌های به دست آمده داشته که این اواخر نیز در گفت‌وگوهای برنامه هسته‌ای ایران به آن اشاره شده است. به لطف تلاش‌های روسیه، ایالات متحده آمریکا و غرب امروز شیوه‌های دیپلماتیک برای حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران را بر شیوه‌های نظامی ترجیح می‌دهند. به همین خاطر، به اعتقاد ما مهم است که روسیه همین خط را در جریان گفت‌وگوهای برنامه هسته‌ای ایران حفظ کند. این خط از طرف شرکت‌کنندگان در گفت‌وگوهای برنامه هسته‌ای ایران و کشورهای گروه «۵+۱» و هم‌چنین جامعه بین‌الملل بسیار خوب ارزیابی شده است.

۳- همکاری در زمینه تصمیم‌گیری برای حل مشکل امنیت و توسعه منطقه آسیای مرکزی با چشم‌انداز خروج نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴

با وجود مخالفت نیروهای خارجی، شرایط در آسیای مرکزی نیازمند همکاری‌های چند جانبه اقتصادی و تقویت همکاری‌ها میان دولت‌های قدرتمند منطقه شامل روسیه، ایران،

هند و چین در بحث انرژی، صنعت، ترابری و زیرساخت‌هاست. این تنها راه برای کاهش خطرات اسلام رادیکال و تروریسم سیاسی در «آسیای مرکزی بزرگ» است. جمهوری اسلامی ایران به تأیید برخی کارشناسان، به ایده‌هایی چون اتحادیه گمرکی و اتحادیه اوراسیایی توجه و علاقه نشان می‌دهد. در تهران این عقیده وجود دارد که حضور در چنین طرح‌های کلانی می‌تواند «اثر چند برابر» داشته باشد، یعنی این که حضور ایران را در تجارت منطقه‌ای گسترش داده و توسعه صنایع ملی را فعال می‌سازد.

۴- همکاری در بحث تثبیت شرایط سیاسی در کشورهای آفریقای شمالی و خلیج پارس و حل و فصل بحران سوریه

رویکردهای ایران و روسیه در رویدادهای «بهار عربی» شباهت‌های زیادی دارند. با وجود «رنک و بوی اسلامی» قابل توجه بسیاری از جنبش‌های اپوزیسیون در مصر، لیبی و دیگر کشورهای آفریقای شمالی، جمهوری اسلامی ایران آشکارا از اقدامات مخالفان این حکومت‌ها پشتیبانی نکرده و حتی با احتیاط با آنها برخورد می‌کند. نقطه نظر دو کشور (روسیه و ایران) به‌ویژه در مسأله سوریه بیشتر به هم نزدیک است: هم ایران و هم روسیه روابط نزدیکی با حکومت کنونی سوریه دارند. علاوه بر این سوریه و ایران تنها متحد جدی در منطقه هستند. هم روسیه و هم ایران قاطعانه خواستار حل و فصل صلح‌آمیز و سیاسی بحران سوریه از راه سازوکار نشست بین‌المللی «ژنو-۲» هستند.

۵- حل مشکل رژیم حقوقی دریای خزر و همکاری در منطقه خزر

مواضع و منافع فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران به‌طور کلی در حل مسأله رژیم حقوقی منطقه خزر در بعضی موارد تلاقی داشته و در برخی موارد از هم جدا می‌شوند. متأسفانه فعلاً نقاط جدایی بیش از اتحاد است. با این وجود، تلاش مشترک دو کشور برای حل مسأله با در نظر گرفتن منافع همه کشورهای پیرامون خزر و حفظ منابع انرژی و بیولوژیکی دریای خزر، روسیه و ایران را به هم نزدیک می‌سازد.

روسیه برای برگزاری چهارمین نشست خزر در سال ۲۰۱۴ برنامه‌ریزی می‌کند. موضوع اصلی این نشست، امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر است. با این حال، موضوع

احداث خط لوله ترانس خزر که ترکمنستان طرح کرده و حفظ محیط زیست خزر نیز کم اهمیت نیست. انتظار می‌رود که بحث‌هایی نیز در زمینه برنامه تشکیل سازمان همکاری‌های اقتصادی خزر و سامانه امنیت منطقه‌ای «کاسفور» مطرح شود. همکاری‌های خزر به خاطر حل نشدن مسأله رژیم حقوقی خزر فعلاً به صورت ظرفیت‌های نهانی هستند. این مسأله تا حد زیادی باعث تأخیر در اجرای پروژه‌های زیرساختی در چارچوب گسترش راهروی بین‌المللی «شمال - جنوب» می‌شود که عملاً از سال ۲۰۰۴ به خاطر شرایط ایران مسکوت مانده است.

۶- تعامل در مسأله تأمین امنیت و توسعه در عراق، افغانستان و پاکستان

هم روسیه و هم ایران خواهان آن هستند که جلوی گسترش اسلام رادیکال و تروریسم بین‌المللی در افغانستان و پاکستان را بگیرند. تثبیت وضعیت عراق، افغانستان و پاکستان بر مبنای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، پاسخگوی خواسته‌های هر دو کشور است. ایران با این کار، در آسیای مرکزی و سازمان همکاری‌های شانگهای که افغانستان و پاکستان جزو ناظرانش هستند، از نظر قدرت جایگاه مهم‌تری پیدا می‌کند. این شرایط راه نزدیک شدن ایران و روسیه را آسان‌تر می‌کند و چشم‌انداز تازه‌ای از همکاری‌های مشترک دو کشور در حل و فصل مسأله افغانستان به وجود می‌آورد.

۷- حل مشکل منطقه قفقاز

درگیر شدن برخی دولت‌های ماورای قفقاز در تشکیل یک بلوک جداگانه موضوعی است که می‌تواند باعث نگرانی روسیه و ایران شود. این اقدامات می‌تواند باعث افزایش نفوذ بیگانگان در منطقه‌ای شود که از نظر تاریخی خود را به‌عنوان رهبران طبیعی می‌بینند. اتحاد ایران - روسیه، می‌تواند وضعیت را در ماورای قفقاز تثبیت کند، چرا که هر دو کشور به یک اندازه در این مسأله سود می‌برند.

۸- همکاری در مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جرم و جنایت بین‌المللی، مشکل پناهندگان، تنش‌های قومی و مذهبی

مناسبات امروز روسیه و ایران به چارچوب دوجانبه محدود نمی‌شود، بلکه بسیاری عوامل خارجی بر این مناسبات تأثیرگذار هستند.

روسیه و ایران تجربه مثبت همکاری در افغانستان، آسیای مرکزی و خزر را دارند. به طور کلی در مناسبات دو کشور اختلاف نظر و مشکلات جدی وجود نداشته است، با این حال گام‌های مشخص برای نزدیک‌تر ساختن همکاری‌ها در حوزه‌های ممکن مانند حوزه آسیای مرکزی نیز دیده نمی‌شود. از طرفی، همکاری در بخش نظامی - تجهیزات نیز نمی‌تواند نقطه اتکای قابل اعتماد در روابط دوجانبه باشد. در حوزه انرژی نیز روسیه و ایران بیشتر به دو رقیب شباهت دارند تا دو شریک. بدین ترتیب، مسأله تدوین مجموعه استراتژی‌ها در توسعه مناسبات دوجانبه در پیش روی روسیه قرار می‌گیرد؛ ضمن این که زمان برای فکر کردن نیز زیاد نیست.

۱- عوامل داخلی گسترش مناسبات روسیه - ایران

۱-۱- نقش برنامه هسته‌ای ایران در گسترش مناسبات دوجانبه

فرایند گفت‌وگو برای حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران در ده سال گذشته به بن‌بست خورده بود. گه‌گاه این گفت‌وگوها به خاطر تهدیدهای واشنگتن و اسرائیل که به دنبال راه‌حل نظامی و حمله برای تغییر حکومت در ایران بودند، به نقطه بحرانی می‌رسید. به تازگی شاهد تغییرات مثبتی در موضع‌گیری شرکت‌کنندگان اصلی این درگیری یعنی ایران و ایالات متحده بودیم که نقطه‌امیدی را برای پیشرفت‌های مشخصی در حل این مسأله در آینده نزدیک به وجود آورد. بدین ترتیب، «روزنه‌امیدی» برای حل مرحله به مرحله مسأله هسته‌ای ایران طی یک سال آینده باز شد. رهبر جمهوری اسلامی ایران متوجه شده که تحریم‌های آسیب‌زننده که جامعه بین‌الملل وضع می‌کند، نه تنها صدمات تخریب‌کننده‌ای برای اقتصاد کشور به همراه دارند بلکه حتی به طور مشهود تحقق برنامه هسته‌ای را به تأخیر می‌اندازند. از طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا به نقش تهران برای ثبات بخشی به منطقه نیاز دارد. آمریکا نگران موقعیت آسیب‌پذیر خود در «خاورمیانه بزرگ» پس از بیرون رفتن نیروهای ناتو از افغانستان است. علاوه بر این، ظاهراً واشنگتن متوجه شده که با فشار و حمله نمی‌تواند جلوی تحقق برنامه هسته‌ای ایران را بگیرد. بلکه به عکس این کار تهران را به دستیابی هرچه سریع‌تر به سلاح هسته‌ای ترغیب می‌کند. فشار حول برنامه هسته‌ای ایران چندین مرتبه تا نقطه بحرانی پیش رفته است و هر آن

ممکن بود ایالات متحده آمریکا و اسرائیل علیه ایران دست به عملیات نظامی بزنند. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران معتقد است که ایده اصلی انقلاب، در برنامه هسته‌ای ایران محقق می‌گردد: مبارزه برای کسب استقلال، به چالش کشیدن دول خارجی در پاسخ به فشار غیرمنصفانه، تلاش استوار برای رسیدن به خودکفایی و سنت اسلامی احترام به علم. با این حال در شرایط وجود تحریم‌های شدید اقتصادی برای تحقق عملی این ایده‌ها، مهم‌ترین وظیفه تهران این است که اقتصاد خود را در پس زمینه سقوط ارز ملی و بحران بودجه به حالت ثبات برساند.

چندی پیش رئیس‌جمهور روحانی با تأیید رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای به بررسی حل و فصل سریع برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان یک اولویت سیاست خارجی مشغول شد. این اقدام شانس را در پیش روی دستگاه ریاست جمهوری باراک اوباما گذاشت که از مدت‌ها پیش برای عادی‌سازی روابط با تهران در ذهن می‌پروراندند تا بتوانند مواضع خود را در منطقه تقویت کنند. به گفته رئیس‌جمهور روحانی، برنامه‌هایی برای دستیابی به توافق با گروه گفت‌وگوکنندگان بین‌المللی «۵+۱» در مدت سه تا شش ماه چیده شده بود. آیت‌الله خامنه‌ای از تلاش‌های رئیس‌جمهور روحانی در حل برنامه هسته‌ای ایران پشتیبانی و از گروه جدید «گفت‌وگوکنندگان هسته‌ای» در برابر انتقادات از سوی تندروهای ایران پشتیبانی کرد. نباید از نظر دور داشت که در میان نخبگان ایران نیز تغییرات مشخصی صورت گرفته است و بیش از پیش مصالحه‌پذیر شده‌اند. اگرچه هیچ‌کس در ایران و حتی آیت‌الله خامنه‌ای نمی‌تواند برنامه پیشنهادی از سوی ایران در گفت‌وگوها با گروه «۵+۱» را مصالحه‌آمیز بنامد. روی هم رفته، تهران انتخابی ندارد: یا فاجعه سیاسی - اقتصادی، یا مصالحه در برنامه هسته‌ای. ایران در انتخاب مصالحه هم بهای زیادی باید پردازد. هم اکنون همه تلاش‌های طرف مخالف ایران (ایران - گروه ۵+۱، ایران - آژانس بین‌المللی) بر به دست آوردن توافق در زمینه بهای تخفیف‌های دو طرف متمرکز شده است.

روز ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۱۳ نخستین گفت‌وگوی تلفنی در تاریخ میان دو رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران انجام شد. در پایان این گفت‌وگو، باراک اوباما خبر داد که هر دو طرف به گروه‌های خود دستور داده‌اند که کار را با سرعت زیاد برای همکاری با گروه «۵+۱» پیش ببرند.

روشن است که کاخ سفید تصمیم گرفته با جدیت برای دستیابی به توافق صلح آمیز با تهران در زمینه مسأله هسته‌ای ایران کار کند. با این حال این موضوع مانند پیش برای اسرائیل قابل قبول نیست و از طرف دیگر، نمایندگان محافظه کار کنگره آمریکا و سیاستمداران این کشور چنین مسأله‌ای را نمی‌پذیرند. این افراد با اصرار بر منع کامل برنامه هسته‌ای ایران، پشتیبان ادامه فشار بر جمهوری اسلامی ایران هستند. آیا باراک اوباما می‌تواند مخالفان آمریکایی و اسرائیلی خود را به واسطه معامله سیاسی با ایران آرام کند؟ این پرسش بزرگی است. دست کم در حال حاضر اوباما به شدت در حال تلاش برای دستیابی به این هدف است.

در تهران نیز به نوبه خود شرایط دشواری که باراک اوباما در آن گرفتار آمده را درک می‌کنند و شتاب دارند که هرچه زودتر به توافقاتی برای برداشتن و یا دست کم تضعیف تحریم‌های تخریب کننده بر اقتصاد ایران در برابر اقدامات مشخص در محدود ساختن فعالیت‌های هسته‌ای و شفاف‌سازی بیشتر آن دست یابند.

نقطه عقب‌نشینی دو طرف از رویارویی شدید تأثیر مثبتی بر گفت‌وگوها در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گذاشت که چندین سال است ایران با گروه میانجیان بین‌المللی «۵+۱» با حضور روسیه و ایران برگزار می‌کند. اگرچه نشست دوره‌ای ماه‌های اکتبر و نوامبر سال ۲۰۱۳ در ژنو میان ایران و گروه «۵+۱» موفقیت آمیز نبود، با این حال گفت‌وگوها و مباحث مطرح شده و طرح مشترک «نقشه راه» برای حل و فصل مسأله هسته‌ای ایران، به گفته سران هیأت‌ها در این دیدارها کاملاً امیدوار کننده بوده‌اند.

روز ۲۴ نوامبر سال ۲۰۱۳ خبر امضای چارچوب توافقنامه در ژنو اعلام شد و در گفت‌وگوهای ده ساله بر سر برنامه هسته‌ای ایران چراغ سبزی روشن شد. به گفته ولادیمیر پوتین: «توافق ژنو به لطف رویکرد سازنده مقامات ایران و اتحادیه اروپا در گفت‌وگوها و همچنین کار سخت گروه گفت‌وگو کننده به دست آمده است». طبق این توافق‌نامه، ایران در شش ماه آینده غنی‌سازی بیش از ۵٪ اورانیوم را متوقف ساخته و ذخایر اورانیوم ۲۰٪ خود را از میان می‌برد. در صورت انجام شرایط تعیین شده در گفت‌وگوها، در مقابل، تحریم‌های بین‌المللی برچیده خواهند شد. نتیجه این توافقات، بازگشت شرکت‌های غربی به بازار ایران و احتمالاً بازگشت کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا به این

بازار خواهد بود. ایالات متحده آمریکا در شرایط نوین بین‌الملل نمی‌تواند به سادگی از فرایند گفت‌وگو بیرون رود. تنش‌زدایی با ایران به آمریکا امکان می‌دهد که در سیاست خارجی آتی خود به‌طور بهینه منافع ملی دیگر کشورها و وظایف خود را در حالت تعادل قرار دهد، بدون این که اقدامات تخریب‌کننده برای کشورهای منطقه به همراه داشته باشد. در پشت همه درگیری‌های ناخوشایند فرایند ژنو، این مسأله از چشم ناظران و کارشناسان دور ماند که توافقات ژنو توخالی بود اما یک پیروزی ارزشمند برای روسیه به شمار می‌رود. به عبارت دقیق‌تر، پیروزی رویکرد روسیه در مسأله برنامه هسته‌ای ایران. این پیروزی در خودداری روسیه از تهدیدها و فشارهای دایمی تحریم‌ها بود، به‌ویژه تحریم‌هایی که بدون تأیید شورای امنیت سازمان ملل وضع شده بودند. نیاز به بازنگری کاری ماهیت مسأله وجود دارد. در فرایند گفت‌وگوها، مسکو حاضر نشد نقش ناظر غیرفعال را مانند همیشه بازی کند و همین مسأله کمک کرد تا از موضع سنجیده و استراتژیک خود دفاع کند و به پشتیبانی قانونی از حقوق جمهوری اسلامی ایران برخیزد. ایران نیز به نوبه خود خواهان آن است که روسیه تنها با ابزار سیاسی موضع محکم خود را در حل مشکل موجود در برنامه هسته‌ای ایران حفظ کرده و حق توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای توسط ایران را به رسمیت بشناسد.

۲-۱- تأثیر تحریم‌های بین‌الملل بر وضعیت ایران

طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، تحریم‌های یک‌جانبه پولی - اقتصادی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ بر تهران موجب افت تولید ناخالص داخلی تا ۱،۹ و ۱،۵٪ شده است. شاخص رشد قیمت مصرفی ۴۱/۲٪ در سال ۲۰۱۲ و ۳۵٪ در سال ۲۰۱۳ می‌باشد. ارزش ارز داخلی - (ریال)، در سال ۲۰۱۲ تا ۵۰٪ افت داشت. در حال حاضر حدود ۶۰٪ مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و این در حالی است که اختلاف طبقاتی شدید همچنان حفظ شده است. درآمد سه لایه ثروتمند این کشور ۱۵ تا ۱۶ برابر بیش از درآمد سه لایه فقیر است. طبق آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، میزان بیکاری در کشور طی سال ۲۰۱۲ به ۱۲/۳٪ رسیده است (آمار غیررسمی حاکی از ۱۹ تا ۲۰٪ بیکاری و در میان جوانان تا ۴۰٪ است). از ماه مارس سال ۲۰۱۲ تا مارس ۲۰۱۳، نرخ تورم در کشور ۳۰،۵٪ (به روایت دیگر

(۴۱٪) بوده است، اگرچه در ماه مارس ۲۰۱۲، تا ۲۱،۵٪ پایین آمده است. در این مدت بیش از ۶ هزار شرکت تولیدی (در حدود ۶۷٪ از کل شرکت‌ها) به مرز ورشکستگی رسیدند. در بازه زمانی میان ماه ژانویه ۲۰۱۲ تا مارس ۲۰۱۳ به خاطر کاهش استخراج نفت از ۳/۶ تا ۲/۷ میلیون بشکه در شبانه روز و کاهش حجم صادرات آن از ۲/۴ تا ۱/۳ میلیون بشکه شرایط سخت‌تر شد. اکنون این شاخص در حدود ۱ میلیون بشکه است. در سال جاری درآمد نفتی جمهوری اسلامی ایران تنها به ۳۰ تا ۳۵ میلیارد دلار محدود شده بود و همین مسأله موجب کمبود شدید بودجه در کشور شد. واردات تجهیزات غربی برای صنعت نفت از راه کانال‌های رسمی متوقف شد. در بازار آزاد قیمت ارز ملی تا ۳ برابر ارزان شد. روز ۶ جولای ۲۰۱۳ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کاهش ارز ملی را اعلام کرد: نرخ رسمی ریال در مقابل دلار تا ۱۰۲٪ کاهش داشت. ایران به خاطر وجود تحریم‌ها در محاسبات سالانه بین ۳۵ تا ۵۰ میلیارد دلار کاهش درآمد دارد.

همه این حقایق نشان می‌دهند که تأثیر تحریم‌های پولی - اقتصادی یک جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران به واقع زیاد شده است. ایران عملاً از حوزه بانکی بین‌الملل (سیستم سوئیفت) جدا شده است و در حوزه ترابری و پشتیبانی، خدمات بیمه دریافت نمی‌کند. دسترسی به سرمایه‌گذاران خارجی، فناوری دیگر کشورها و سامانه ترابری بین‌المللی دریایی نیز با دشواری‌هایی روبرو شده است.

به همین خاطر، باید اعتراف کرد که تحریم‌ها تأثیر خود را گذاشته‌اند. مقامات جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانند متوجه این مسأله نباشند که شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور با تداوم چنین تحریم‌هایی، تداوم بقای رژیم به شکل کنونی را زیر سؤال می‌برد. با این اوصاف، به احتمال قوی نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به نقش و جایگاه ایران در جامعه جهانی تا حدی دستخوش تغییر شده است. بیهوده نیست که در ایران دولت جدید تا حدی به شکل اصلاح‌طلب و اجرایی تشکیل شده، اعضای هیأت گفت‌وگوکننده «برنامه هسته‌ای» تغییر کرده و رییس تازه‌ای برای این هیأت انتخاب شده است. روشن است که همه این رویدادها بدون موافقت آیت‌الله خامنه‌ای انجام نمی‌گیرد. این نظر وجود دارد که آیت‌الله خامنه‌ای پیش از دیدارهای ماه سپتامبر در نیویورک و در مقر سازمان ملل و در

آستانه گفت‌وگوهای تلفنی روحانی با اوباما، به رئیس‌جمهور روحانی و وزیر خارجه ایران پندهایی داده و همه گام‌های تازه ایران در حل برنامه هسته‌ای را تأیید کرده است. از گفته‌های مقامات تهران و پیش از همه رئیس‌جمهور روحانی این‌طور برداشت می‌شود که تلاش رهبری جمهوری اسلامی ایران در راستای حل برنامه هسته‌ای ایران و رها ساختن کشور از تحریم‌های اقتصادی و پولی وضع شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد و غرب می‌باشد. هدف اصلی این است که کشور را از زیر فشار تحریم‌ها بیرون آورده و «پرونده هسته‌ای ایران» را از شورای امنیت سازمان ملل به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای برگردانند تا برنامه‌های آژانس برای کنترل برنامه هسته‌ای طبق روال عادی کاری انجام بگیرد.

جورج فریدمن نکته دقیقی را اشاره کرده که گفت‌وگو در چارچوب گروه «۱+۵» فعلاً میان ایالات متحده آمریکا و ایران انجام می‌گیرد که بیش از سی سال در صحنه جهانی رودرروی یکدیگر ایستاده‌اند. گفت‌وگو در چنین چارچوبی کمک می‌کند تا حل و فصل برنامه هسته‌ای به بهبود روابط متقابل بیانجامد و شاید آمریکا و ایران حرکت به سوی اتحاد استراتژیک را آغاز کنند. روحانی با در نظر گرفتن شرایط سیاسی درون ایران، برای آغاز باید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را اصلاح کند. بخشی از این اصلاحات هم اکنون در گفته‌های نرم و سازنده رئیس‌جمهور جدید ایران دیده می‌شود.

۳-۱- جنبه اقتصادی مناسبات ایران و روسیه

مشکل «شراکت استراتژیک» روسیه و ایران

در جریان رایزنی‌های دو طرف در سطح مقامات بلندپایه طی فصل بهار و تابستان سال ۱۹۹۵، ایده شراکت استراتژیک ایران و روسیه تدوین و حتی اولویت‌ها برای همکاری‌های تجاری - اقتصادی دو کشور تنظیم شد. این اولویت‌ها در حوزه انرژی و از جمله انرژی اتمی، زنجیره نفت و گاز و بخش‌های وابسته به آنها، ترابری، ارتباطات و ساخت تأسیسات گوناگون بود. افزون بر این، بحث استفاده مشترک منابع دریای خزر نیز مطرح شد.

سال ۲۰۰۷ میلادی در مناسبات ایران و روسیه شانس تغییر شکل تعاملات به صورت «مشارکت استراتژیک» پدید آمد. رهبر ایران برنامه گفت‌وگوهای دو کشور را تا حد

زیادی فشرده نموده و پیشنهاد کرد که مناسبات در آینده به سوی روابط منسجم و نظام‌مند با روسیه پیش برود.

مسأله گسترش بخش‌های اتمی، انرژی و نفت و گاز، متالورژی، همکاری در بخش بیوتکنولوژی، پزشکی، اکولوژی و هم‌چنین هوا - فضا در دستور کار روز دو کشور ایران و روسیه دیده می‌شود؛ برنامه‌های مشترک برای بهبود بخش شیلات و جنگلداری، انجام پروژه‌های بزرگ در بخش ترابری، جست‌وجوی راه‌هایی برای حل مشکل جمعیت و هماهنگی اقدامات برای تأمین ثبات و امنیت نیز در دستور کار هستند. کارشناسان ایرانی در سال ۲۰۰۷ باور داشتند که تا سال ۲۰۱۸ می‌تواند حجم گردش کالا میان ایران و روسیه را تا ۱۰۰ برابر یعنی تا ۲۰۰ میلیارد دلار آمریکا افزایش دهند. روسای جمهور ایران و روسیه در بازه زمانی آگوست - سپتامبر سال ۲۰۱۳ در زمینه ضرورت فعال‌سازی مناسبات تجاری - اقتصادی آسیب دیده از تحریم‌ها، توافقاتی انجام دادند.

ایران ظرفیت‌های بسیار بالایی برای رشد اقتصادی دارد. این کشور از نظر ذخایر گاز جایگاه دوم را در جهان (جایگاه اول از نظر BP Statistical Review of World Energy، ژوئن سال ۲۰۱۳) و جایگاه سوم را از نظر ذخایر نفتی دارد. در عین حال جمهوری اسلامی ایران به خاطر نوع ساختار جمعیتی متمایز است و به طور آشکار یکی از اصلی‌ترین پیشروان رشد اقتصادی در آینده خواهد بود: ۷۰٪ جمعیت کشور زیر ۳۰ سال، تنها ۴٪ بالاتر از ۶۵ سال، ۳۱٪ دانشجویان رشته‌های گوناگون مهندسی.

گسترش همکاری‌های اقتصادی در تهران به‌عنوان یک تضمین مهم و گواه بر تثبیت مناسبات سیاسی میان دو کشور تلقی می‌شود.

روز ۱۵ آگوست ۲۰۱۳ مجلس شورای اسلامی ۱۵ وزیر از ۱۸ وزیر پیشنهادی رئیس‌جمهور کشور را تأیید کرد. با تشکیل کابینه تازه و سخنان روحانی در زمینه بازنگری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بررسی مناسبات تجاری - اقتصادی فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

از بیرون همه چیز کاملاً مثبت و دارای چشم‌انداز خوب است. رئیس‌جمهور روحانی گفته که گسترش مناسبات ایران و روسیه از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار می‌باشد. وی تأکید کرد: «امیدوارم روابط شکل گرفته در طول

تاریخ و همکاری‌ها میان ایران و روسیه گسترش یابد. فدراسیون روسیه جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران دارد و دولت جدید اولویت خود را بر این روابط قرار داده است. رئیس‌جمهور پوتین نیز خوشبین است و می‌گوید: «ما می‌دانیم که امروز حول برنامه هسته‌ای ایران چه کارهای زیادی در همه جهان انجام می‌گیرد، اما روسیه بر مسأله دیگری نیز آگاه است. ایران برای ما یک همسایه خوب است و همسایه را معمولاً انتخاب نمی‌کنند. حجم همکاری‌های ما در گذشته بسیار زیاد بوده، هست و قطعاً خواهد بود.»

با این حال بر کسی پوشیده نیست که مناسبات اقتصادی ایران و روسیه و چشم‌انداز توسعه آن امروزه عملاً در «حالت نیمه خواب» قرار دارد و هنوز موفقیتی دیده نشده است. در عین حال فدراسیون روسیه به شدت خواهان توسعه مناسبات تجاری - اقتصادی با ایران است. برای روسیه تأثیر اقتصادی حاصل از صادرات کالاهای صنعتی روسیه به ایران و ارائه خدمات به شکل زیر تبیین می‌شود:

- تأثیرگذاری بر قیمت‌های جهانی انرژی. روسیه، ایران و ونزوئلا دارای ۳۲/۴٪ ذخایر نفت جهان و ۳۸/۶٪ ذخایر گاز جهان هستند (طبق آمار بریتیش پترولیوم در ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی). اتحادیه اقتصادی سه دولت می‌تواند قیمت نفت را که از نظر استراتژیک برای روسیه خیلی مهم است، هم‌تراز با کشورهای عضو اوپک کند.

- رشد تولید ناخالص داخلی و مدرن‌سازی شاخه صنعت کشور.

- رشد صادرات غیرنفتی مطابق با برنامه‌های دولت فدراسیون روسیه و افزایش آن تا

۲،۵ برابر تا سال ۲۰۲۰ و ۷/۵ برابر تا سال ۲۰۳۰.

- ایجاد فضای کاری تازه با دستمزد بالا تا سال ۲۰۲۰ طبق برنامه‌های رئیس‌جمهور

فدراسیون روسیه.

- ورود شرکت‌های روسی به حوزه خلیج پارس با امکان تحقق پروژه‌های زیرساختی مشترک در جنوب ایران. بنادر خلیج پارس یکی از بهترین نقاط برای صادرات کالاهای غیرنفتی روسیه به کشورهای آسیای مرکزی، آفریقا و خاورمیانه و خاور نزدیک است.

همکاری ایران و روسیه در حوزه اتمی، انرژی و نظامی - فناوری

طی سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰ هنگامی که ایران متحد باوفای ایالات متحده آمریکا و عضو

بلوک نظامی پیمان مرکزی (ستو) بود، محمدرضا شاه پهلوی همراه با رهبر شوروی کارهایی را در راستای گسترش روابط دوجانبه انجام داد. تا پیش از انقلاب اسلامی، با مشارکت شوروی در ایران بیش از ۶۰ منطقه بزرگ صنعتی ساخته شدند. در میان این مناطق می‌توان به متالورژی اصفهان، کارخانه ماشین‌سازی اراک، نیروگاه حرارتی «رامین» و «شهید منتظری»، نیروگاه برق اتمی روی رودخانه ارس، شاخه اصلی خط لوله گازی گچساران - آستارا و... اشاره کرد.

همکاری‌هایی نیز در حوزه نظامی انجام گرفته است. طی ۱۵ سال پیش از انقلاب اسلامی یعنی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹، در ایران صدها کارشناس نظامی شوروی مشغول به کار بودند و بیش از ۵۰۰ افسر ایرانی در اتحاد جماهیر شوروی تحصیل کردند. اتحاد جماهیر شوروی برای پیاده نظام، مهندسی نظامی و توپخانه ایران تجهیزات می‌فرستاد. از جمله این تجهیزات، خودروی جنگی پیاده نظام مدل‌های بی.ام.بی-۱، بی.تی.بی - ۶۰، بی.تی.بی - ۵۰ پ.کا، سامانه‌های موشکی مدل زس.او-۵۷، زس.او-۲۳-۴ ب، بی.۱ «شیلکا»، پ.زرپ. کا «استرلا-۱ام» و توپ‌های مدل ۱۳۷ میلیمتری ام-۴۶، ۱۳۰ میلیمتری، اتومبیل‌های مدل ماز، تانک‌های پل‌گذار، ترولس‌های معدن و بسیاری تجهیزات دیگر هستند.

در اصفهان و شیراز به کمک اتحاد جماهیر شوروی کارخانه‌هایی ساخته و راه‌اندازی شدند که به تعمیر تجهیزات نظامی شوروی می‌پرداختند و در همین کارخانه‌ها متخصصین شوروی از شرکت‌های تولید کننده مشغول به کار بودند. با مشارکت مهندسين شوروی، در حومه تهران مجموعه بزرگی به نام «بابک» برای تعمیرات اساسی تجهیزات توپخانه، زرهی و خودروها ساخته شد. در این مجموعه کارگاه‌های مدرن و آزمایشگاهی برای آزمایش تجهیزات توپخانه‌ای چرخ‌دار و زنجیره‌ای درست کردند. ایران در این دوران به یکی از شرکای نظامی و تجاری - اقتصادی روسیه در منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک شده بود.

سال ۲۰۰۱ قرارداد مبانی تعاملات و اصول همکاری میان فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران به امضا رسید. براساس این قرارداد، تعاملات گسترده میان دو کشور در حوزه نفت و گاز، انرژی برق، هوا - فضا، ترابری، بازرگانی، حوزه بانکی، انرژی اتمی، زیست محیطی، کشاورزی، جنگلداری، شیلات، متالورژی و ساخت تأسیسات به خوبی گسترش پیدا می‌کرد.

شرکت‌های «گازپروم»، «استروی ترانس گاز»، «تات نفت» و «تکنوپرام اکسپورت» به این پروژه‌ها پیوستند. قراردادی برای رهایی از پرداخت دوطرفه مالیات و توافقنامه‌ای در خصوص ترابری هوایی، راهروی ترابری بین‌المللی «شمال - جنوب» میان روسیه، ایران و هند به امضاء رسید. سال ۲۰۰۴، پروتکلی برای هماهنگی ساختن سیستم انرژی روسیه، ایران و آذربایجان به امضاء رسید. افزون بر این، کار تأسیس کنسرسیوم سه جانبه روسیه - ایران - آذربایجان با هدف تأسیس شاخه‌های ریلی قزوین - رشت - انزلی - آستارا (در خاک ایران تا محل اتصال به مسیر ریلی ماورای قفقاز) آغاز شد.

صنعت نفت، گاز و پتروشیمی یک شاخه از صنعت ملی ایران و منبع اصلی درآمد کشور است. این شاخه از دهه پنجاه سده بیستم با کمک تجهیزات و تکنولوژی امریکا و اروپا توسعه یافته است. ۹۵٪ تأسیسات این بخش با کمک شرکت‌های بین‌المللی مهندسی Kellogg, Linde, UOP, Lurgi و... ساخته شده‌اند. امروزه شرکت‌های غربی نمی‌توانند به‌صورت رسمی با شرکای ایرانی خود همکاری کنند و همین مسأله بازار بزرگ ایران را برای شرکت‌های روس با تنها رقیب خود یعنی چین باز می‌گذارد.

تا سال ۲۰۱۲، مدیریت شرکت نفت، گاز و پتروشیمی جمهوری اسلامی ایران تولیدکنندگان روس را به‌عنوان فروشنده تجهیزات و فناوری در نظر نمی‌گرفتند. شرایط پس از وضع بسته اول تحریم‌ها تغییر کرد زیرا با وضع این تحریم‌ها، حضور و همکاری شرکت‌های غربی با ایران در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی و همچنین حوزه‌های مرتبط همچون تولید و فروش تجهیزات، انتقال نفت و محصولات پتروشیمی، بیمه و فعالیت‌های بانکی ممنوع شد. در این شرایط مدیران شرکت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران نفع خود را در همکاری متقابل و انجام پروژه‌های مشترک صنعتی با فدراسیون روسیه دیدند و برای خرید تجهیزات و جست‌وجوی راه‌های دریافت فناوری از روسیه پرداختند.

شرایط مشابه در همه بخش‌های اقتصادی ایران دیده می‌شود: نفت و گاز، ماشین‌سازی، کشاورزی، معدن، متالورژی، انرژی، ترابری، داروسازی.

تا پیش از اعمال تحریم‌ها، همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه انرژی اتمی و حوزه فضایی به‌صورت مطلوب پیش می‌رفت. اما امروز مناسبات ایران و روسیه در بخش‌های بالا متأسفانه به حالت «استندبای» درآمده‌اند.

گسترش مناسبات تجاری - اقتصادی میان ایران و روسیه

کمیسیون دایم همکاری‌های تجاری - اقتصادی ایران و روسیه در چارچوب فعالیت‌های خود، توافقی‌های حاصل شده در گفت‌وگوهای مربوط به تعاملات در حوزه‌های گوناگون اقتصادی را به صورت مشخص تر و دقیق تر درمی‌آورد. روابط میان واحدهای فدرال روسیه و استان‌های جمهوری اسلامی ایران پیشرفت آشکار داشته‌اند و میان شهرهای دو کشور که از قابلیت تبدیل شدن به عامل همکاری‌های تجاری - اقتصادی میان دو کشور برخوردارند، روابط بهتری برقرار شده است.

در سال‌های دهه نود سده بیستم، روسیه بزرگترین صادرکننده تکنولوژی و تسلیحات به جمهوری اسلامی ایران بود. سهم صادرات این کشور به ایران بیش از ۶۰٪ ارزیابی می‌شود. روسیه هواپیماهای جنگی مدل میگ - ۲۹، سوخومی - ۲۴ ام کا، سامانه موشکی اس - ۲۰۰ بی. ا، سه مدل زیردریایی دیزلی مدل «کیلو» و بسیاری دیگر از تجهیزات نظامی به علاوه تانک به ایران می‌فروخت. در سال‌های گذشته همکاری‌های مشابه میان دو کشور عملاً به صفر رسیده است. اما اکنون در این راه فرصت‌های تازه‌ای به وجود آمده است.

تحریم‌های وضع شده در حوزه پولی و بانکی تأثیرات منفی بر همکاری‌های تجاری - اقتصادی کشورهای ما گذاشته‌اند. طبق آمار وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه، گردش کالا میان دو کشور در سال ۲۰۱۲ به نسبت سال ۲۰۱۱ تا ۴۰٪ کاهش داشته و به ۲،۳۳ میلیارد دلار رسیده، ضمن این که صادرات روسیه تا ۴۵٪ پایین آمده و به ۱/۹ میلیارد دلار رسیده است. اگر در نظر بگیریم که سرمایه‌گذاری ایران در روسیه طی سال ۲۰۱۲ رقم ۲/۵ میلیون دلار بوده، همان زمان روسیه حدود ۲،۸ هزار دلار در ایران سرمایه‌گذاری انجام داده است. همکاری‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری روسیه در ایران به خاطر تحریم‌ها از طرف ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در روابط تجاری با بانک‌های ایران مشکلاتی را به همراه داشت. افزون بر این، ممنوعیت موجود باعث شد که برخی شرکت‌های روس در برنامه‌های خود برای فعالیت در بازار ایران بازنگری کنند. به همین ترتیب، شرکت «لوک اویل» در سال ۲۰۱۰ دست از همکاری در حوزه‌های نفتی «آذر» و «شنگول» کشید. شرکت «گازپروم» در رقابت با این شرکت، جایگزین لوک اویل شد، اما به همان دلایل در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ کار پروژه را متوقف کرد.

بسیاری از کارشناسان روس با مشکل پرداخت پول محصولات صادر شده به ایران روبرو شدند. زیرا پرداخت از راه بانک‌های ایران که در فهرست شرکت‌های تحریم شده قرار می‌گرفتند امکان‌پذیر نبود. به همین خاطر ایران و روسیه شروع به گفت‌وگو درباره تأسیس بانک مشترک برای انجام عملیات با ارز داخلی کردند.

مشکلاتی در همکاری‌های نظامی و از جمله فروش سامانه موشکی اس - ۳۰۰ روسیه به ایران پیش آمد. فرستادن این سامانه‌ها به ایران در نتیجه تشدید تحریم‌ها که شامل فروش تسلیحات نظامی به ایران می‌شد، راکد ماند و همین مسأله باعث واکنش تند ایران و شکایت علیه روسیه به دادگاه بین‌المللی شد.

تجارت ایران و روسیه همچون سابق به کالاهای خاص محدود است. روسیه به ایران آهن سیاه، ماشین‌آلات، تجهیزات و وسایل ترابری، چوب و محصولات کاغذی صادر می‌کند. در مقابل مواد غذایی و هم‌چنین برخی محصولات مورد کاربرد در معدن، صنایع شیمیایی (کنستانتره، فلزات رنگی معدنی و...) و در بخش ماشین‌سازی (خودروی سمند، پژو ۲۰۶ و برخی محصولات برقی) دریافت می‌کند.

پویایی گردش کالا میان روسیه و ایران طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷، بر مبنای میلیون دلار

شاخص	۲۰۰۷ میلادی	۲۰۰۸ میلادی	۲۰۰۹ میلادی	۲۰۱۰ میلادی	۲۰۱۱ میلادی
صادرات	۲۹۵۸	۳۳۳۵	۲۷۶۶	۳۳۵۹	۳۲۷۲
واردات	۳۴۹	۴۰۱	۲۱۲	۲۷۲	۳۴۲
گردش کالا	۳۳۰۷	۳۷۳۶	۲۹۷۸	۳۶۳۱	۳۶۱۴

برنامه‌های دو طرف به صورت فعال در مسیر شورای بازرگانی روسیه - ایران انجام می‌گیرد که در چارچوب آن نشست‌های متعدد کمیسیون دائم همکاری‌های تجاری - اقتصادی ایران و روسیه و برنامه همکاری‌های اقتصادی و صنعتی برگزار می‌شوند. تبادل هیأت در سطح وزرای اقتصاد و ارگان‌های وابسته، بازرگانان و هم‌چنین برگزاری نمایشگاه‌های متعدد نیز در چارچوب این برنامه‌ها قرار می‌گیرند. با این حال طی یک سال گذشته در بخش بازرگانی شاهد افت شدید بودیم.

از جدول بالا این طور برمی‌آید که در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، حجم سالانه گردش

کالا به طور متوسط ۳/۱ میلیارد دلار بوده است (افت بحرانی گردش کالا در سال ۲۰۰۹ تا ۲،۹ میلیارد دلار دیده می شود)، و در سال ۲۰۱۲ به ۲،۳۳ میلیارد دلار می رسد که ۳۸٪ کمتر از سال ۲۰۱۱ است. مسأله گسترش مناسبات دوجانبه که امروزه با امکانات موجود هماهنگی ندارد، صرفاً به خواست مسکو یا تهران وابسته نیست. ظرفیت های تجاری - اقتصادی دو کشور واقعاً بالاست، اما بحران پولی - اقتصادی در ایران که به دنبال تحریم های بین المللی رخ داده است، تقاضا را برای واردات کم کرده و فرصت ها برای صادرات محصولات کشور روسیه را زیر سؤال برده است.

امروزه شرکای روس برای سرمایه گذاری و انجام پروژه ها در ایران شتاب نمی کنند، زیرا این کشور تبدیل به منطقه ای نه چندان مطلوب برای تجارت شده است و این تهدید برای کسانی که دست به تجارت در ایران می زنند وجود دارد که اعتبار بین المللی شان را از دست بدهند. بنابراین به اعتقاد کارشناسان، پیامدهای سیاست داخلی و خارجی گذشته رئیس جمهور احمدی نژاد (تا آگوست ۲۰۱۳) امروز دیده می شود.

فرصت های آتی روسیه در ایران

روسیه عملاً برای فرصت های خود در بازار ایران رقیب قدرتمند ندارد. همین موضوع فهرست کالاها و خدمات پیشنهادی به ایران (که در بالا گفته شده است) را به اقلام خاص محدود می کند. ضمن این که همه خدمات توسط دولت یا شرکت های بزرگ تجاری ارایه می شوند. قاعدتاً، در این بخش تنها دولت ها یا شرکت های بزرگ تجاری می توانند شرکای روسیه در ایران باشند. شرکت های کوچک و متوسط روسیه فعلاً در شرایطی نیستند که جایگاه خاصی را در برنامه همکاری های ایران و روسیه به دست بگیرند.

با تحلیل خطوط همکاری ایران و روسیه که در بالا اشاره شد، لازم به گفتن است که صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی از روسیه به ایران و هم چنین قطعات یدکی همراه با خدمات فروش، بی تردید مطلوب ترین و پرمفعت ترین راه برای تقویت جایگاه روسیه در بازار ایران خواهد بود. به ویژه این که جمهوری اسلامی ایران با وجود اتخاذ سیاست خودکفایی اقتصادی، به شدت نیازمند سلاح های مدرن است. افزون بر این تکنولوژی نظامی روسیه (شوروی) در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اکنون نیازمند تعمیرات و یا به

روزرسانی است. با این حال، از سرگیری ارتباطات کاری در این بخش به نوعی با لغو تحریم‌های مربوط به قطعنامه ۱۹۲۹ و فرمان رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در ارتباط است. همکاری در حوزه «انرژی اتمی» نیز دارای چشم‌انداز خوبی است. این بخش از بازار ایران برای طرف روس جالب توجه است. و البته نه تنها برای روس‌ها که حتی ژاپن نیز از راه معاون دبیر مطبوعاتی وزارت امور خارجه این کشور آمادگی خود را برای همکاری با ایران در زمینه ساخت نیروگاه اتمی اعلام کرده است.

به همین خاطر کاهش و یا لغو تحریم‌های تهران بی‌تردید رقابت شدیدی را در بازار ایران و از جمله در بخش انرژی اتمی به دنبال خواهد داشت. با این حال امروز که گفت‌وگوهای پیچیده‌ای درباره برنامه هسته‌ای ایران در جریان است و کشور زیر فشار تحریم‌های سنگین قرار گرفته، برای تحقق هر پروژه در حوزه اتمی (حتی اگر صلح‌آمیز باشد) باید سری بی‌پروا داشت. این کار حتی می‌تواند بر شرایط گفت‌وگوها و به‌ویژه بر جو حاکم در میان گروه «۵+۱» که گفت‌وگوها با ایران را پیش می‌برند تأثیر منفی بگذارد. پروتکلی که در دهمین نشست کمیسیون دایم همکاری‌های تجاری - اقتصادی ایران و روسیه به امضا رسیده است چشم‌انداز خوبی را برای انجام کارهای مشترک میان دو کشور در حوزه انرژی اتمی باز می‌کند. برای گسترش بعدی روابط دوجانبه لازم است که امروز و در شرایطی که ایران تحت فشار تحریم‌ها قرار دارد، زمینه را برای رقابت‌های آتی آماده ساخت. اما به قول معروف، هنوز برای حمله زود است.

در چارچوب «همکاری‌های اتمی»، روسیه آماده است تا در بهره‌برداری از فن‌آوری هسته‌ای در بخش پزشکی نیز به ایران کمک کرده، ایزوتوپ و تجهیزات به ایران بفرستد. در بخش انرژی نیز فدراسیون روسیه می‌تواند توجه جمهوری اسلامی ایران را جلب کند. شرکت‌های روس می‌توانند در پروژه‌های انرژی ایران مانند ساخت ژنراتورهای تازه و افزایش قدرت ژنراتورهای موجود (مدرن‌سازی آنها) شرکت کرده و هم‌چنین در مناقصه‌های فروش تجهیزات انرژی و فن‌آوری به‌ویژه تکنولوژی فرایندهای تولید خودکار حضور یابند. در بخش نفت و گاز، روسیه باید اولویت خود را بر گسترش میادین نفتی و گازی ایران با کمک تکنولوژی پیشرفته (در سطح استانداردهای جهانی) روسیه قرار دهد. شیوه‌های افزایش بازیافت نفت و بازسازی میادین نفتی، قراردادهای خدمات برای حفاری و

سرویس دهی، فروش تجهیزات روسی برای صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیز می‌تواند توجه ایران را جلب کند.

چشم‌انداز همکاری‌ها در حوزه گازی با توجه به لابی ایران برای ایجاد سازمان گازی مشابه اوپک مناسب به نظر می‌رسد. ایران طرح خط لوله انتقال گاز آسیا به اروپا (PEACE) را با هدف تشکیل شبکه خط لوله گازی برای اتصال ایران، کشورهای پیرامون خلیج پارس، آسیای مرکزی، ترکیه، اروپا و هند مطرح ساخت. طبق ارزیابی‌های کارشناسان این شبکه می‌تواند ظرف مدت دو سال در حدود ۷۰٪ ذخایر گاز جهان را متحد سازد.

شرکت «گازپروم» اوایل سال ۲۰۱۲ برای شرکت در ساخت خط لوله گازی ایران - پاکستان دعوت شد که قرار بود اواخر سال ۲۰۱۴ به بهره‌برداری برسد. «زاروژنفت» اکنون در کشورهای عراق، الجزایر، کوبا و ویتنام مشغول به کار است و طبق تفاهم‌نامه امضا شده با شرکت ملی نفت ایران در آوریل ۲۰۱۳، به‌طور مشترک روی میدان گازی «خیام» و «عسلویه» در استان بوشهر ایران کار خواهند کرد.

یکی از جذاب‌ترین طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند در صنایع گاز مایع ایران باشد. این نخستین پروژه ایران در حوزه گاز مایع طبیعی است که نیاز به اصلاحات جدی در بازار گاز مایع طبیعی خاورمیانه دارد. فعلاً قطر رهبر بی‌قید و شرط گاز مایع طبیعی است. اکنون پروژه تا نیمه به اجرا درآمده است، اما به خاطر کسری بودجه (در اثر تحریم‌های بین‌المللی) و عدم امکان فرستادن تجهیزات، راکد مانده است.

در میان پروژه‌های بزرگ همکاری دو کشور می‌توان به برنامه‌های شرکت «مهندسی قدرت» روسیه در اصلاح و بهینه ساختن نیروگاه حرارتی «رامین»، فروش تجهیزات شرکت موتورسازی برای پمپاژ گاز از میدان «پارس جنوبی»، تجهیزات پمپاژ شرکت «گروه مهندسی جی.ام.سی»، نصب مخازن گاز و انتقال گاز توسط شرکت «استروی نواتسیا» اشاره کرد. هم‌چنین پروژه‌های ساخت راهروهای ترابری از راه آذربایجان و ارمنستان به ایران نیز در دست بررسی هستند.

روز دوم فوریه ۲۰۰۹ جمهوری اسلامی ایران دهمین قدرت در عرصه فن‌آوری فضا شد. اگر تهران برای شرکت در برنامه بین‌المللی «اکتشافات فضایی» آمادگی داشته باشد، می‌تواند بخش مهمی از مشارکت این کشور در روند همگرایی اقتصادی اوراسیا شود.

روسیه در توسعه روابط دو جانبه در بخش **متالورژی**، اکتشافات و معادن آهن، هم‌چنین در کار ساخت کارخانه‌های صنعتی و فراوری سنگ آهن، ذوب فلزات - بیشتر فولاد و مس از شانس زیادی برخوردار است. طرف ایرانی گفته که بازار جمهوری اسلامی ایران برای حضور کالاها و خدمات روسی باز است.

محصولات و تکنولوژی روسی در بخش‌های زیر از سوی ایران مورد توجه هستند:

- تجهیزات برای استخراج نفت و گاز، فن‌آوری افزایش حجم نفت و گاز چاه، اکتشاف و انتقال؛

- فراوری نفت، پالایشگاه‌های بزرگ و کوچک نفت؛ تجهیزات برای استخراج نفت و گاز؛

- محصولات شیمیایی و فن‌آوری، تجهیزات شیمیایی و پلیمر؛

- مواد جدید، تکنولوژی لیزری؛

- فراوری فلزات، مارک تخصصی فلزات، قراضه‌های آهن، کک؛

- تجهیزات تولید انرژی؛

- تکنولوژی مخابراتی، فناوری اطلاعات، ساخت ابزار؛

- کشتی‌سازی، تعمیر کشتی؛

- غلات، جو، روغن آفتاب گردان؛

- الوار و چوب، مبلمان، کاغذ.

در چارچوب برنامه توسعه **تجاری - اقتصادی** و مناسبات فرهنگی فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران، کار برگزاری نمایشگاه دامی محصولات و خدمات تولیدکنندگان روس آغاز شده است. نمایشگاه جهت‌گیری عملی دارد و برای جلب توجه شمار زیادی از بازدیدکنندگان واجد شرایط از تبلیغات گسترده دائمی و بازاریابی شرکت‌ها در ایران بهره‌مند شده است.

شمار زیادی از قراردادهایی که شرکت‌های روسی می‌توانند در حوزه **فولاد سیاه** ببندند در حدود ۱ میلیارد دلار آمریکا و برای فلزات رنگی در حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار آمریکاست.

برنامه‌های دولت ایران برای توسعه **صنایع استخراجی** شامل خرید تجهیزات ویژه برای استخراج و انتقال سنگ معدن و کار در معادن می‌شود. دولت ایران هم‌چنین ماشین‌آلات

ساخت و ساز جاده، بیل و گریدر نیز خریداری می‌کند. تکنولوژی مورد نیاز ایران همه توسط گروه‌های صنعتی ماشین‌سازی روسیه مانند کنسرسیوم «کارخانه تراکتورسازی»، «گروه گک.آز»، شرکت «اتحادیه کارخانه‌های ماشین‌سازی»، «اورال واگن زاوود» و شرکت‌های تولید کننده تجهیزات معادن قابل دسترسی هستند.

بخش ترابری برای روسیه آینده‌دار و امیدوار کننده است. روسیه می‌تواند در فروش تجهیزات ترابری، در جابجایی، ساخت و به روز رسانی زیرساخت‌های ترابری ایران شرکت داشته باشد.

ایران به‌عنوان شریک مهم سیاست خارجی در بخش جنوبی، هیچ مرزی با کشور ما ندارد. اما با دولت‌های مستقل همسود مانند ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان دارای مرزهای مشترک بوده و در فاصله نزدیکی از قفقاز شمالی واقع شده است. به همین خاطر تهران با برخورداری از موقعیت خاص ژئواستراتژیک و ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رویدادهای منطقه بگذارد. نه ایران و نه روسیه جدا از هم نمی‌توانند پروژه‌های بزرگ ژئواکونومیکی قاره‌ای که در پشت آن همگرایی اوراسیایی است را اجرا کنند. این برنامه‌ها در شرایط شناخت اهمیت ژئوپلیتیکی دو قدرت قاره (در سده بیست و یکم) یعنی روسیه و ایران قابل اجراء است. راه‌های زمینی اوراسیا به احتمال بسیار در سده بیست و یکم نفسی تازه خواهند کرد.

از یک سو، همه دولت‌های پیرامون خزر که دسترسی به آب‌های آزاد ندارند، خواهان ساخت هرچه بیشتر راه‌های جایگزین ترابری هستند. از سوی دیگر، در چشم‌انداز دوره متوسط کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای (چین، روسیه و...) انتظار تقویت همگرایی بازارهای داخلی و افزایش شمار ترابری‌های داخلی وجود دارد. مهم‌ترین شرط رشد اقتصادی مناطق جدید، گسترش بهره‌برداری از منابع طبیعی آینده‌دار و بهینه‌سازی دسترسی برای ترابری و پیوند دادن آن به حوزه همکاری‌های ترابری است. در این شرایط گسترش فعالیت‌های سرزمینی و طیف خدمات ترابری باید رشد سریع اقتصادی را براساس تکنولوژی سطح بالا و نوآوری در مناطقی که با راهروهای ترابری بین‌المللی و منطقه‌ای تماس پیدا می‌کنند، ترغیب کند.

تمایل ایران به پروژه‌های بین‌المللی مانند راهروی ترابری بین‌المللی «شمال - جنوب»

و... که نه تنها از اهمیت ژئوپلیتیکی بلکه از اهمیت ژئواکونومیکی نیز برخوردار است، از اینجا مشخص می‌شود.

یکی از ابعاد مهم همکاری‌ها در بخش ترابری، فعال‌سازی ترابری در چارچوب راه‌روی بین‌المللی «شمال - جنوب» است. در بخش ترابری ریلی ساخت خط ریلی رشت - آستارا، و همچنین ساخت راه آهن رشت - انزلی، رشت - ساری، پارس‌آباد - اردبیل، برقی کردن خطوط ریلی تهران - مشهد و گرمسار - گرگان جزو پروژه‌های اصلی هستند. افزایش همکاری‌های دوجانبه در حوزه فروش لوکوموتیوهای روسی، واگن و دیگر تجهیزات خطوط ریلی به ایران نیز در دست بررسی است.

امید زیادی به همکاری در ترابری جاده‌ای وجود دارد. در حال حاضر شرکت‌های روسی می‌توانند از مدعیان این بخش در بازار ایران به‌ویژه خودروهایی تجاری باشند. از سال ۲۰۱۱ برنامه‌های دولتی برای تعویض خودروهایی از رده خارج به اجرا درآمده است. طبق این طرح، ۱۵۰ هزار خودروی باری که بیش از ۳۵ سال عمر کرده‌اند، تعویض خواهند شد.

برای اجرای برنامه دولتی در زمینه جابجایی مسافران از نقاط روستایی، بازار این کشور به بیش از ۱۰ هزار دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس در سال نیاز دارد. ایران نزدیک به ۷ هزار دستگاه اتوبوس در اشکال مختلف تولید کرده است. در این میان گفتنی است که به خاطر مشکلاتی که در فروش قطعات یدکی از طرف شرکای اروپای غربی رخ داده، در سال ۲۰۱۳ حجم تولید تقریباً تا ۴۰٪ افت داشته است.

به این ترتیب بازار خودروهایی تجاری به اندازه کافی بزرگ است و تولیدکنندگان روس از جمله شرکت «کاماز» و «گروه گ.آ.ز» می‌توانند نیاز ایران را برطرف سازند. این امکان وجود دارد که در ایران مونتاژ محصولات خودروسازی روسی راه‌اندازی شود. در بخش ناوگان هوایی مسافربری امکان گسترش همکاری‌های میان روسیه و ایران وجود دارد، اگرچه ایرانی‌ها در این حوزه بیشتر گرایش به غرب دارند. در ایران برنامه‌هایی برای به‌روزرسانی خطوط هواپیمایی دارند. طبق این برنامه هواپیماهای مورد استفاده در خطوط هوایی باید زیر بیست سال عمر داشته باشند. در همین رابطه شرکت هواپیمایی دولتی «ایران ایر» و همچنین خطوط هواپیمایی «ماهان»، «آسمان»، «کیش ایر» و غیره قصد

دارند نزدیک به ۱۰۰ فروند هواپیمای نو از خارج خریداری کنند. خدمات فنی بعدی این هواپیماها و تعمیرات آنها باید تضمین شده باشد. ایران اولویت خود را بر خرید هواپیماهای غربی گذاشته است، اما وجود تحریم‌های اقتصادی امکانات این کشور را برای خرید، دریافت خدمات فنی و تعمیرات به شدت محدود می‌کند. در چنین شرایطی فروش هواپیماهای مسافربری روسی به ایران و ارایه خدمات پس از فروش و تعمیرات، چشم‌انداز بسیار خوبی دارد. افزون بر این، در ایران شمار زیادی بالگردهای روسی مدل میگ-۸ و میگ-۱۷ وجود دارند به همین خاطر می‌توان صحبت از همکاری در حوزه هواپیماهای مسافربری را مطرح ساخت.

روسیه و ایران تلاش خود را برای گسترش همکاری‌ها در بهره‌برداری از فضا با اهداف صلح‌آمیز نشان داده‌اند. موضوع مورد توجه هر دو طرف می‌تواند زیرساخت‌های مخابراتی ارتباطات ماهواره‌ای و ماهواره‌های پخش امواج برای کانال‌های تلویزیون ملی، پرتاب موشک و ماهواره‌های ارتباطی و دستگاه‌های ری ترانسلیاتور (Radio repeater) به مدار زمین ایست‌ور باشد.

به منظور گسترش همکاری‌ها در حوزه ارتباطات، مخابرات و فن‌آوری اطلاعات، طرف ایرانی به ابتکار خود پیشنهاد بررسی مشارکت در این برنامه‌ها را به طرف روس اعلام کرده است. این مشارکت می‌تواند به صورت کنترل خطاهای کامپیوتری، تجزیه و تحلیل میزان مخرب بودن برنامه برای دستگاه، واکنش فنی به آسیب‌پذیری فضای سایبری و وقوع مشکل در فضای سایبری باشد. تبادل دانش فنی، ایجاد آزمایشگاه‌های امنیت سایبری، برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی در رشته انفورماتیک و خدمات کامپیوتری نیز در دست بررسی است. برنامه‌هایی برای گسترش مشارکت در مناقصه‌های بین‌المللی دو کشور، همکاری شرکت‌های خصوصی دو کشور در اجرای طرح‌های مشترک در حوزه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، گسترش همکاری‌ها میان سازمان رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و شرکت رادیو و تلویزیون روسیه بر مبنای توافقنامه همکاری‌ها به تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۲ طراحی می‌شود.

گسترش همکاری‌ها در بخش تولیدات کشاورزی نیز دارای پایه و اساس است. واردات مواد غذایی، گندم دامی، جو، ذرت، سویا، کنجاله سویا و هم‌چنین دیگر خوراک دام و

طیور، قند، روغن خام آفتاب گردان و شیرخشک از روسیه به ایران در این حوزه جای می‌گیرد. شرکت‌های زنجیره‌ای بزرگ مواد غذایی روسیه نیز خواهان خرید سبزیجات ایران هستند.

باید اعتراف کرد که بخش بیشتر طرح‌های عنوان شده در حوزه منافع شرکت‌های بزرگ دولتی دو کشور جای دارند. از سوی روسیه شرکت‌های «روس اتم»، «گازپروم»، «گازپروم نفت»، «لوک اویل»، «زاروبزنف»، «تات نفت»، «استروی ترانس گاز»، شرکت «راه آهن روسیه»، «کاماز» و «گ.آز» خواهان همکاری هستند. از سوی ایران نیز سازمان انرژی اتمی ایران، شرکت ملی نفت ایران، سازمان راه آهن ایران، شرکت دولتی بازرگانی ایران، شرکت دولتی هواپیمایی ایران ایر و هم‌چنین گروه‌های مالی - صنعتی زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آماده همکاری هستند. می‌توان هم‌چنین به شرکت‌های مهندسی «خاتم‌الانبیاء»، هلدینگ «بهمن گروپ»، شرکت توسعه ملی، سازمان صنایع دفاع، بانک‌های «سپهر» و «صادرات»، دفتر مجاز فروش «مرسدس بنز» در ایران، شرکت هواپیمایی «پیام ایر» و «احتمالاً «هما» اشاره کرد. نقطه اتکای مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در وهله اول صندوق بنیاد مستضعفین است.

افزون بر این، طرح‌های اقتصادی توسط این وزارت‌خانه‌ها تدوین و اجرا می‌شوند: وزارت نفت (وزیر کنونی آقای بیژن نامدار زنگنه)، وزارت اقتصاد و دارایی (آقای علی طیب‌نیا)، وزارت نیرو (آقای حمید چیت‌چیان)، وزارت صنایع، معدن و تجارت (آقای محمدرضا نعمت‌زاده)، وزارت راه و شهرسازی (آقای عباس آخوندی)، وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات (آقای محمود واعظی)، وزارت کشاورزی (آقای محمود حجتی)، وزارت دفاع (آقای حسین دهقان).

در این شرایط شرکت‌های کوچک و متوسط روسیه فعلاً نمی‌توانند در فضای کنونی تجارت بزرگ ایران وارد عمل شوند.

مناسبات تجاری - اقتصادی میان مناطق ایران و روسیه

مناسبات تجاری - اقتصادی دو کشور در سطح منطقه‌ای (فرامرزی) قابلیت گسترش بیشتری دارد. شرکای اصلی تجاری ایران در منطقه اکنون آستاراخان، چلیابینسک، یکاترین بورگ،

اورنبورگ، کِمروف، ولگاگراد، منطقه آلتای، شهر مسکو و جمهوری تاتارستان هستند. مناطق ساراتوف، راستوف، کراسنودار و جمهوری چواش به ایجاد ارتباط تجاری - اقتصادی و گسترش این ارتباطات با استان‌های ایران به صورت جداگانه علاقه زیادی نشان می‌دهند. تعاملات اقتصادی، ارتباطات مستقیم میان نمایندگان شرکت‌های بازرگانی منطقه و هم‌چنین روند جذب شرکت‌های کوچک و متوسط به فعالیت اقتصادی خارجی به صورت مطلوب پیش می‌رود. جای دارد که به فعالیت‌های رو به رشد منطقه آستاراخان در شمال استان ساحلی گیلان، مازندران و گلستان نیز اشاره شود.

بازرگانان ایران به طور فعال در حال پیشبرد کار بازرگانی هستند. در حال حاضر بیش از ۱۵۰ شرکت ایرانی در منطقه آستاراخان به ثبت رسیده و مشغول کار هستند. گردش تجارت خارجی میان منطقه آستاراخان و ایران در سال ۲۰۱۱ به ۲۳۳ میلیون دلار رسیده و سهم ایران در گردش تجارت خارجی منطقه ۲۵٫۸٪ بوده است. چوب، فلز و غلات اقلام اصلی صادرات بوده و محصولات غذایی، خشکبار و محصولات فراوری در بخش واردات هستند.

بازرگانی ایران آماده سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منطقه است تا در زمین‌های خالی آماده برای کشاورزی محصولات مورد نیاز ایران کشت شود. به این ترتیب منطقه آستاراخان برای تعامل تجاری با مناطق ایران مطلوب به نظر می‌رسد.

موانع در همکاری‌های اقتصادی

در شرایط امروز جهان، تقاضا برای بخش بیشتر کالاهای صنعتی روسیه در بازارهای جهانی وجود ندارد و از کالاهای مشابه غربی عقب مانده‌اند، اما جمهوری اسلامی ایران به دلیل نداشتن امکان تولید این محصولات در کشور و عدم امکان واردات آنها از غرب، آماده است تا این محصولات را از روسیه تهیه کند. به این ترتیب، امروزه ما از یک شانس تاریخی برای وارد کردن تجارت روسیه به بازار ایران و تسریع رشد اقتصادی در نتیجه گسترش حضور خود در این بازار برخوردار شده‌ایم. با این حال از فرصت حاضر بهره‌برداری نشده است. چه موانعی بر سر راه همکاری‌های مطلوب اقتصادی وجود دارند؟ می‌توان از موارد زیر به عنوان موانع موجود یاد کرد:

- شرکت روسیه در تحریم‌های بین‌المللی؛
 - عدم آگاهی کافی درباره فرصت‌های دو طرف به‌ویژه در بخش خصوصی فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران؛
 - دیوان‌سالاری شدید اداری و ضعف نهادها؛
 - گرایش شرکت‌ها و دولت‌ها به همکاری با اروپا و غرب (به‌عنوان انتخاب اول)؛
 - فقدان سامانه بانکی با قابلیت همکاری متقابل و بیمه؛
 - کافی نبودن توافق‌نامه‌های زیرساختی برای تأمین برنامه‌های مالی - بیمه؛
 - سطح بسیار پایین ارتباطات انسانی؛
 - سطح پایین تبادلات گردشگری.
- یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مناسبات ایران و روسیه در شرایط کنونی، تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و برخی دیگر کشورها علیه ایران است.
- بیشتر تحریم‌های وضع شده علیه ایران به‌طور مستقیم بر منافع روسیه و ایران تأثیرگذار بوده‌اند، به‌جز آن، تحریم‌های وضع شده در قطعنامه ۱۹۲۹، همکاری‌های نظامی - تکنولوژی نظامی میان ایران و روسیه را محدود می‌سازد و تحریم‌های بانکی که ارتباطات پولی با ایران را با مشکل روبرو می‌کند. این تحریم‌ها شرایطی را در ایران به وجود آورده‌اند که عملاً مانع از توسعه تجارت می‌شوند. احتمال وضع تحریم (به ویژه از سوی آمریکا) علیه شرکت‌های روس به‌ویژه شرکت‌هایی که در سطح بین‌الملل فعال هستند وجود دارد، به همین خاطر طبیعی است که ارتباط با شرکای غربی را به خاطر تجارت با ایران که شرایط روشنی ندارد، عوض نخواهند کرد. شرکت «لوک اویل» تجارت گسترده‌ای در ایالات متحده آمریکا می‌کند به همین خاطر در صدد گسترش روابط تجاری با ایران برنیامد، اگرچه چشم‌انداز خوبی در حوزه فعالیت نفتی با ایران وجود داشت. به غیر از این، بسیاری از شرکت‌های روسیه که راهی به بازارهای جهانی ندارند، نمی‌خواهند تصویر و اعتبار خود را به خاطر ایران که زیر فشار تحریم‌ها قرار گرفته از دست بدهند.

رویکرد «سرد» روسیه به تجارت در جمهوری اسلامی ایران به دلیل سیستم قضایی

پیچیده حاکم در این کشور نیز هست. قوانین ایران و مفاد قانونی موجود در آن به شدت امکان تجارت خارجی‌ها در این کشور را محدود می‌سازد. از جمله آنها لایحه تصویب شده در سال ۲۰۰۲ با عنوان «پشتیبانی از سرمایه‌گذاری خارجی» است. البته سال ۲۰۰۸ تغییراتی در قوانین اعمال شده و برخی محدودیت‌ها را در فرم شراکت سرمایه خارجی، حداکثر سهم شرکای خارجی در شرکت و مدت زمان سوددهی برداشتند. با این حال سیستم سرمایه‌گذاری در ایران همچنان به صورت بای بک buy-back است که اجازه نمی‌دهد سرمایه خارجی بدون محدودیت سود به دست آورد.

سال ۲۰۱۲ دولت ایران به منظور صرفه‌جویی در پول از راه متوقف ساختن موقت ثبت معاملات وارداتی، ورود برخی کالاها از جمله خودرو و کامپیوتر را به کشور محدود نمود. در فهرست کالاهای ممنوع وارداتی نام ۷۵ قلم جنس از ساعت مچی، لوازم خانگی، تلفن موبایل گرفته تا قهوه و دستمال توالت آورده شده بود. با این حال منع مذکور شامل واردات لوازم مورد نیاز برای تهیه این کالاها نمی‌شود.

تجارت در ایران کار سختی است. طبق آمار منتشر شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۱۳، شاخص پشتیبانی از سرمایه‌گذاران در ایران ۱۴۷ است. برای مقایسه می‌توان گفت که این شاخص در نیوزلند ۱، در آمریکا ۶، روسیه ۱۱۵، افغانستان ۱۸۹ است. شاخص دیگر، برای پشتیبانی از منافع سرمایه‌گذاران است که در ایران رقم ۳/۷ را نشان می‌دهد در حالی که این شاخص در نیوزلند ۹/۷، در آمریکا ۸/۳، روسیه ۴/۷ و افغانستان ۱ است. از دیگر موانع می‌توان به سطح پایین در شفافیت رفتار دولت و جامعه به ویژه در بخش تجارت اشاره کرد. بسته بودن فضای اطلاعاتی مشکلاتی را برای شناخت درست از شرایط در حوزه تجارت به وجود می‌آورد.

علاوه بر این دیوان‌سالاری اداری برای تصمیم‌گیری در امور نیز کمکی به ورود بازرگانان روسی به بازار ایران نمی‌کند. سیستم دولتی ایران بر اصل «ولایت فقیه» یعنی جانشینی و حکومت امام استوار است که یکی از اصول شیعیان به شمار می‌رود. اصول نظری این نوع حکومت توسط امام خمینی تدوین شده و در قانون اساسی کشور به ثبت رسیده است. «ولایت فقیه» یک حکومت اجتماعی - سیاسی است که در آن فقیه عادل رهبر جامعه اسلامی می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «فقیه عادل» حق دارد

در رأس حکومت قرار بگیرد و او را «رهبر» می‌نامند. همه ابعاد قدرت دینی، دولتی، سیاسی و نظامی در دست رهبر است. رهبر جمهوری اسلامی ایران (به‌عنوان «ولایت فقیه») به‌عنوان رهبر همه شیعیان ایران حق ولایت را در دست دارد. او در عین حال رهبر سیاسی حکومت و فرمانده کل نیروهای مسلح کشور نیز هست.

ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران سامانه دیوان‌سالاری چندلایه را درست کرده که عملاً سطوح زیرین و میانی قابلیت عملکرد خود را از دست می‌دهند و همین مسأله موجب فساد اداری می‌شود.

فساد اداری (با همه تفاوت‌های آن از نمونه‌های غربی)، بی‌تردید ایجاد روابط بازرگانی و گسترش آن را میان ایران و روسیه با مشکل روبرو می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران بر وجود فساد اداری اذعان دارد، با این حال مبارزه آشکار از سوی جامعه و دولت با این مسأله انجام نمی‌گیرد. اگرچه در ماه ژانویه ۲۰۱۳ علی لاریجانی سخنگوی مجلس شورای اسلامی گفت که کشور نیاز به سازمان‌دهی ویژه در امر مبارزه با فساد اقتصادی دارد. لاریجانی هم‌چنین گفت: «عوامل اصلی فساد اقتصادی در بسیاری موارد با عناصر دولتی در کشور مرتبط هستند».

عدم آگاهی محافل بازرگانی روسیه از ویژگی‌های فساد اداری ایران و موازین مذهبی (تشیع) ایرانیان باعث محدود شدن تجارت خصوصی در این کشور می‌شود. منظور از موازین شیعی، طرز تفکر ایرانیان و نوع زندگی آنهاست که تحت قوانین تشیع قرار گرفته است. داشتن تصور درست از روابط در ایران بسیار مهم است: روابط میان زن و مرد، روابط ایرانی‌ها با خارجی‌ها.

افزون بر این، شیعیان ایران در بسیاری موارد به تقيه روی می‌آورند. این راهی است که شیعیان در هنگام احساس خطر و بروز تهدید منافعشان انجام می‌دهند و حتی خود را اهل تسنن معرفی می‌کنند. حتی آنها می‌توانند نقطه نظر سیاسی و اهداف خود را پنهان سازند. «تقيه» یک راه اخلاقی برای پنهان‌کاری در زمان گفت‌وگوها و یا مناسبات تجاری به‌طور کل است. به همین خاطر تجارت در ایران (و با ایرانیان به‌طور کل) نیاز به آمادگی کامل، بررسی قوانین متعدد، اصول و موازین موجود در این کشور دارد. این موازین حتی اگر برای غیر ایرانی‌ها بیگانه هم نباشد، به هر حال عجیب و دور از فهم هستند.

در درون جامعه ایران عوامل دیگری نیز وجود دارند که مشکلاتی را در همکاری‌های ایران و روسیه به وجود می‌آورند. در ایران با وجود تبلیغات قوی ضد غربی، تمایل به غرب دائماً بیشتر می‌شود. اما نگاه ایرانی‌ها به روسیه نه مثبت است و نه منفی. با این حال در سال‌های اخیر به‌ویژه در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (۲۰۱۳-۲۰۰۵)، تصویر روسیه لکه‌دار شد. مخالفین ایران یا حتی منتقدین ساده «رژیم آیت‌الله» روسیه را متهم به پشتیبانی از محمود احمدی‌نژاد و عدم تمایل او به آزادسازی کشور توسط فشار و زور می‌کنند.

از سوی دیگر، مدافعین رژیم ایران روسیه را متهم به همدستی با «امپریالیسم امریکایی» و «صهیونیسم جهانی» در اقدامات ضد ایرانی و توطئه مشترک با آنها برای براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران می‌کنند. دلیل تشدید لفاظی‌های ضد روسی، تصمیم مسکو در متوقف ساختن قرارداد سامانه موشکی اس-۳۰۰ و طولانی شدن زمان راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر بود. اگرچه طرف ایرانی در آن هنگام اصرار داشت که مسکو کار ساخت تأسیسات را طی ۵۲ ماه و در صورت لزوم ۶۹ ماه به پایان برساند.

به‌طور کل این شرایط نامطلوب داخلی به گسترش مناسبات تجاری - اقتصادی دو کشور کمکی نمی‌کند. به‌ویژه این که شرکت‌های تجاری بزرگ و متوسط ایران به غرب گرایش دارند و شرکت‌های کوچک بر بازار داخلی متمرکز می‌شوند و یا روی بازارهایی مانند ترکیه، افغانستان و دیگر کشورهای هم‌مرز که از گذشته کار کرده‌اند و می‌کنند. اگرچه همان‌طور که در بالا گفته شد، ظرفیت برای گسترش تجارت در روسیه به‌ویژه بر مبنای روابط منطقه‌ای همچنان وجود دارد.

بازرگانان ایرانی نیز تصور درستی از شرایط روسیه و ظرفیت‌های موجود برای مشارکت ندارند. بازرگانان ایرانی از فساد اداری در روسیه و قوانین تجارت در فدراسیون روسیه اطلاعات کمی دارند.

روشن است که بیشتر عوامل منفی تأثیرگذار بر گسترش مناسبات ایران و روسیه، واقعی هستند. این عوامل شامل ساختار دولتی، سیاسی، ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران، سیاست داخلی و خارجی اسلامی، طرز تفکر مردم، ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری و آیین‌ها هستند. به عبارتی، باید آگاهی مردم روسیه را درباره ویژگی‌های فرهنگی و دینی مردم ایران بالا برد تا از آن در گفت‌وگوهای تجاری و مناسبات تجاری با این کشور بهره گرفت.

رقابت بر سر ایران

اگر رئیس‌جمهور روحانی مسأله اصلی یعنی برنامه هسته‌ای ایران که موضوع اصلی است را حل و فصل کند، آن وقت چراغ سبز مسیر ایران برای بسیاری از شرکت‌های خارجی و بازرگانان روشن خواهد شد. برای روسیه مهم است که در صف نخست جای بگیرد، بدون این که قوانین رقابت و بازار آزاد را از نظر دور نگه دارد. روشن است که پس از کاهش یا لغو تحریم‌ها رقابت شدیدی بر سر بازار ایران میان روسیه، اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و بی‌تردید ایالات متحده آمریکا در خواهد گرفت. چطور روسیه می‌تواند در این رقابت پیروز شود (یا دست کم بازنده از میدان بیرون نرود)؟

امروز روسیه از امکانات مادی و مالی خوبی برای رقابت در بازار ایران و همترازی با دیگر رقبای بزرگ خود برخوردار نیست. به همین خاطر، مجبور است از شرایط کنونی (محاصره ایران) و حواشی آن به نفع خود بهره ببرد. در عین حال باید توجه داشته باشد که این شرایط در آینده نزدیک می‌تواند به نفع مسکو تغییر نکند.

تقویت موضع کسانی که کارشناسان از آنها «اصلاح‌طلبان لیبرال» در ساختار حکومت یاد می‌کنند، زمینه را برای بالا بردن گرایش‌های آمریکایی و به‌طور کل غرب‌گرایانه در کشور آماده می‌کند. این جریان در زمان رییس‌جمهور خاتمی نیز وجود داشت، اکنون هم در دوره رییس‌جمهور روحانی جریان دارد. آشکار است که بخش قابل توجه جمعیت ایران از گذشته گرایش به غرب داشته‌اند. طبق آمار اعلام شده در نظرسنجی‌های ماه سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۳، در حدود ۸۰ تا ۹۰٪ مردم ایران برقراری روابط با آمریکا را ضروری می‌دانند. تحلیل‌گران اروپایی به فعال شدن شرکت‌های آمریکایی مانند (جنرال موتور، بویینگ و...) در ایران و تا پیش از گرم شدن جبهه دیپلماتیک اشاره می‌کنند. این شرکت‌ها نمایندگان خود را به ایران فرستاده و می‌گویند که آیت‌الله خامنه‌ای اجازه برقراری «ارتباطات مستقیم» با نمایندگان «شیطان بزرگ» (آمریکا) را داده است. گروهی از مقامات ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز این موضوع را تأیید کرده و دستور تهیه فهرستی از شرکت‌های آمریکایی برای همکاری‌های آتی با ایران را داده‌اند.

گرایش به نزدیک شدن ایران و آمریکا که اوباما و روحانی رؤسای جمهور دو کشور به آن اشاره کرده‌اند، با چشم‌اندازهای آن ممکن است منجر به برقراری تدریجی

مجموعه‌ای از روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا شود. برای مسکو این مسأله به معنای توسعه نامطلوب شرایط است.

۲- عوامل خارجی در مناسبات ایران و روسیه

۲-۱- تأثیر «بهار عربی» و بحران سوریه بر مناسبات ایران و روسیه

در رویدادهای «بهار عربی» در خاورمیانه و رویکردهای دو کشور به این مسایل، همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، شباهت‌های زیادی وجود دارد. مقامات ایران از اعتراضات اپوزیسیون در مصر، لیبی و تونس بیشتر به این دلیل پشتیبانی نکردند که پشت آنها نیروهای مخالف ایران ایستاده بودند. خود اپوزیسیون اسلامی بیشتر از جمعیت سنی مذهب تشکیل شده بود که هیچ ارتباطی با شیعیان ایران ندارند. منافع دو کشور به‌ویژه در مسأله سوریه بیشتر به هم نزدیک می‌شد. به همین خاطر روسیه و ایران به‌طور فعال خواستار حل و فصل صلح‌آمیز و سیاسی بحران سوریه بودند.

کشورهای ما پشتیبانی قدرت‌های غربی از «بیداری عربی» را به یک شکل و در حکم تلاش برای تضعیف نفوذ خود در منطقه تعبیر کردند. رهبر سیاسی ایران از همان آغاز جریان «بهار عربی» عقیده داشت که این رخدادها با هدف «تغییر چارچوب» در نقشه ژئوپلیتیک شرق عربی است، ضمن این که نقش جمهوری اسلامی ایران را نیز به شدت تضعیف می‌کند. برنامه برای بیرون راندن کامل روسیه از شرق مدیترانه و پیچیده‌تر کردن هرچه بیشتر ترابری هیدروکربن از روسیه (یا با کمک روسیه) به بازارهای اروپای غربی نیز بود. مقامات ایران به روشنی اهداف بلندمدت سیاست‌های غربی را دیدند: بیرون راندن روسیه از شرق عربی، نمایش «عدم توانایی» ژئوپلیتیکی روسیه از جمله در خارج از مرزهای منطقه، تضعیف ایران با چشم‌انداز دگرگونی بنیادی نظام سیاسی ایران، احیای نفوذ غرب از کازابلانکا تا اسلام‌آباد. با این پس زمینه، جمهوری اسلامی ایران به سوی روسیه می‌رود. اگر چه در مناسبات دو کشور مشکلات تاریخی حل نشده زیادی وجود دارد: تحریم‌ها علیه ایران، بی‌رمق بودن روابط اقتصاد خارجی دو طرف، اختلافات در حوزه همکاری‌های تکنولوژی نظامی و مشکلات حوزه انرژی اتمی.

مواضع روسیه و ایران در بخشی از نگرانی‌ها به خاطر شرایط حاضر با هم تلاقی دارند.

همین مسأله باعث نزدیک شدن دو دولت در ارزیابی کلی شرایط و شیوه‌های بازیابی صلح اجتماعی در شرق مدیترانه، در درک ضرورت حفظ اتحاد و تمامیت ارضی دولت‌های منطقه شده است. تا هنگامی که استراتژی بلندمدت ایالات متحده آمریکا و غرب در منطقه روشن شود، ایران بدون اقدام نظامی آشکار، آرام‌آرام به سوی قرار گرفتن در جایگاه رهبر جدید منطقه پیش می‌رود.

با شدت گرفتن مشکلات داخلی مصر، ترکیه و عربستان سعودی توجه روسیه به ایران بیشتر شد. شرایطی که باعث شدت گرفتن ظهور ایران شدند به شکل عوامل زیر مطرح می‌شوند:

۱- عملیات ناموفق ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در عراق که به‌طور روشنی جایگاه تهران را در منطقه بالا برد؛

۲- انقلاب سیاسی در مصر که برای مدتی جایگاه خود را به‌عنوان رهبر جهان عرب از دست داد و پس از برکناری حسنی مبارک که به شکل غیرمستقیم جایگاه عربستان سعودی را تضعیف می‌کرد؛

۳- بحران سوریه، که ضعف عملکرد مخالفان ایران یعنی ترکیه و عربستان سعودی را به نمایش گذاشت؛

۴- موضع سرسختانه روسیه و چین دو عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل متحد که به‌طور عینی مانع از تلاش‌های غرب برای تبدیل شدن به هژمونی ژئوپلیتیک در منطقه می‌شد و در عین حال به‌طور غیرمستقیم به ایران فرصت می‌داد که موضع مخالفان قدیمی خود را در خاورمیانه و شرق مدیترانه تضعیف کند؛

۵- فقدان موضع مشخص در رابطه با سوریه به‌طور کل و رژیم حکومت اسد به‌صورت جزئی‌تر در محافل سیاسی اسرائیل که از شدت گرفتن اختلافات داخلی و درگیر شدن شهروندان غیرنظامی اسرائیل در عملیات نظامی احساس خطر می‌کنند.

به‌طور کل، روسیه و ایران با نجات سوریه از حمله نظامی، تبدیل به متحدین استراتژیک در منطقه شدند. شراکت استراتژیک دو کشور در ظاهر طبیعی است، اما در سطح مناسبات دوجانبه، عدم اعتماد کامل و محدودیت رو به رشد برای همکاری در شرایط وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران احساس می‌شود. انتخاب برای رهبران دو کشور دشوار

است: یا عملکرد موازی روسیه و ایران در مسایل کلیدی امنیت بین‌المللی در منطقه و یا ایجاد سکوی طولانی مدت مشترک برای تعامل استراتژیک بزرگ.

در سپتامبر ۲۰۱۳، رئیس‌جمهور روحانی به رئیس‌جمهور پوتین پیشنهاد کرد که در صورت امکان، رایزنی‌های بیشتری میان دو کشور در مسایل منطقه و به‌ویژه با احتساب حساس بودن شرایط در منطقه خاورمیانه انجام بگیرد.

۲-۲- شرایط در افغانستان، پاکستان و «فاکتور ۲۰۱۴»: تأثیر بر مناسبات ایران و روسیه
خروج نیروهای ناتو از افغانستان طی سال ۲۰۱۴ می‌تواند تبدیل به عاملی در جهت رشد بعدی محبوبیت نیروهای تندرو اسلامی در افغانستان و حتی پاکستان شود که از نظر واشنگتن همچون سابق، حلقه مرکزی حل مشکل افغانستان است.

آیا «طالبان» می‌تواند با غلبه بر نیروهای امنیت ملی افغانستان اقدام به گرفتن مراکز اصلی کشور، از جمله کابل و قندهار کند؟ پاسخ منفی است. از طرفی زیرگروه‌های نیروهای امنیت ملی افغانستان به سختی می‌توانند نیروهای طالبان را از استان‌های شرقی، جنوبی و جنوب غرب که محل اصلی جنبش‌ها و بسیار مقاوم است بیرون براند. در این شرایط، مصالحه سیاسی میان طرفین اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

مصالحه در صورتی به دست می‌آید که «طالبان» به‌عنوان یک حزب یا جنبش با امکان رشد بعدی نفوذ آن پذیرفته شود. این کار به خاطر توجه نداشتن تلفات مالی و انسانی غرب غیرممکن است. مصالحه برای ایالات متحده به معنای چشم بستن از «ارزش‌های دموکراتیک سنتی» است. با این تصمیم، سندروم ویتنام در دستگاه ریاست جمهوری نیکسون به یاد می‌آید. آمریکا به هر صورت باید دو مسأله را با یک تصمیم حل کند:

۱- پایان دادن به فعالیت‌های تروریستی علیه غرب از سوی افغانستان؛

۲- جلوگیری از وقوع آشفته‌گی در این کشور که پس از خروج ناتو در سال ۲۰۱۴ اجتناب‌ناپذیر است، با این هدف که آشفته‌گی به پاکستان کشیده نشود زیرا حفظ ثبات داخلی این منطقه مورد توجه روسیه، ایران و آسیای مرکزی و عربستان سعودی به‌عنوان مهم‌ترین شریک استراتژیک آمریکا، است.

در حال حاضر پاکستان مبارزات نه‌چندان موفق‌تری را با نیروهای سیاسی رادیکال اسلامی

پیش می‌برد. باید متوجه بود که سقوط پاکستان به‌عنوان یک دولت، پیامدهای اتمی، القاعده و گروهک‌های مشابه آن را به دنبال دارد. جلوگیری از سقوط پاکستان فراتر از امکانات و توان آمریکا است. سیاستمداران آمریکا متوجه هستند که شدت گرفتن بی‌ثباتی در افغانستان یک تهدید واقعی برای دولت پاکستان و به‌طور غیرمستقیم تهدیدی برای منافع ایالات متحده در همه منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک خواهد بود.

ایالات متحده نباید روی کمک پاکستان در آرام‌سازی افغانستان حساب باز کند. جمعیت پاکستان بین ۱۹۳ تا ۱۹۵ میلیون نفر بوده و بخش بزرگ این کشور در کنترل دولت مرکزی نیست. مقامات رسمی و جامعه درک درستی از استراتژی و تاکتیک مبارزه با تروریسم در کشور ندارند. عدم دخالت ارتش در انتخابات اخیر مجلس کشور حاکی از فقدان ایده، قدرت و ابزار در میان نخبگان نظامی است.

از ماه اکتبر ۲۰۰۹، چندین حمله مسلحانه از خاک پاکستان به ایران صورت گرفته است. به همین خاطر مشکل امنیت منطقه در رابطه با افغانستان و پاکستان، نیاز به همکاری در حوزه دیپلماسی پیشگیرانه و نظامی را شکل می‌دهد. در کنار تلاش‌های دو طرف، شرایط امروز نیاز به همکاری‌های چندجانبه دولت‌های این منطقه بزرگ، نه تنها با حضور ایران و روسیه که حتی چین و هند دارد. گسترش تعاملات باید در زیرساخت‌های انرژی، صنعت و ترابری و هم‌چنین ایجاد روابط مشترک باشد. این تنها راهی است که می‌تواند تهدید تندروی اسلامی و تروریسم سیاسی را از «آسیای مرکزی بزرگ» دور سازد. شعارها برای اقدامات چندجانبه کشورهای منطقه (نه تنها روسیه و ایران) باید به یک شعار سیاسی مبدل شود «صلح از راه پیشرفت مشترک و تقویت روابط در حوزه‌های گوناگون همکاری».

ایران رفته‌رفته به مرکز مهم قدرت در آسیای مرکزی تبدیل می‌شود و نقشی فعال‌تر در سازمان همکاری‌های شانگهای که اکنون در کنار افغانستان و پاکستان در جایگاه عضو ناظر قرار دارد، بازی خواهد کرد. شاید در آینده نه چندان دور عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای به نزدیک شدن ایران و روسیه کمک کرده و چشم‌انداز تازه‌ای در برنامه‌های مشترک در حل و فصل مسأله افغانستان به‌وجود آورد.

هر ساله هزاران تن از شهروندان روسیه در اثر هرویین تولیدی افغانستان جان خود را از دست می‌دهند. بخشی از شبه‌نظامیان سازمان‌های تروریستی که در قفقاز شمالی فعال

هستند، دوره آموزشی و آمادگی را در اردو گاه‌های افغانستان پشت سر می‌گذارند. فدراسیون روسیه خواهان تشکیل یک دولت قوی در افغانستان است. با در نظر گرفتن تجربه تاریخی، برای حل مشکل افغانستان نیاز به تعامل منطقی و نزدیک روسیه با ایران وجود دارد که از نظر جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی و زبانی به افغانستان نزدیک تر می‌باشد.

۳-۲- چشم‌انداز همکاری‌های روسیه و ایران در منطقه خزر

مسأله خزر که محل تلاقی منافع روسیه و ایران و در عین حال، محل اختلاف نظر دو کشور است، باید به‌طور جداگانه بررسی شود. باید اعتراف کرد که متأسفانه هنوز اختلاف نظرها بیشتر از رویکردهای مشترک است. مواضع دو کشور که امروز با هم تلاقی دارند از این قرار است: هر دو کشور آماده هستند تا به دستورالعمل‌های مندرج در قراردادهای امضاء شده طی سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی پایبند باشند. طبق دستورالعمل‌ها، فضای آبی برای همه کشورهای پیرامون دریای خزر مشترک بوده، آزادانه اجازه شنا دارند و حضور نیروهای مسلح کشورهای ثالث در این آب‌ها مجاز نیست. طرفین هم‌چنین توافق کردند که هرگونه تقسیم‌بندی در دریای خزر در رابطه با سطح آب و طبیعت آن باید به صورتی باشد که حداقل نقض حقوق و تمامیت حق ساحلی کشورها را در پی نداشته باشد. افزون بر این، در برخی مسایل مشخص رژیم حقوقی دریای خزر، تقسیم‌بندی کف دریا و تفکیک فضای سطح آب، موضع روسیه و ایران یکسان نیست. ایران از جمله بر سر مشروعیت توافق‌نامه روسیه، آذربایجان و قزاقستان در زمینه نگه داشتن خط میانی بحث دارد. در این حالت سهم ایران کمتر از ۲۰٪ می‌شود. ایران به نوبه خود پیشنهاد می‌کند که دریا را به مناطق ملی وابسته به تمامیت ارضی هر دولت تقسیم‌بندی کرده، کشتیرانی و حق ماهیگیری توافق شده را در آن آزاد بگذارند. روسیه با تفکیک خزر به مناطق ملی، سرزمینی و مناطق ماهیگیری مخالفت کرده و معتقد است که موازین کنوانسیون سازمان ملل در حقوق دریایی به سال ۱۹۸۲، شامل خزر به‌عنوان یک دریای منحصر به فرد نمی‌شود. با این حال، علی‌رغم اختلاف نظر طرفین، روسیه و ایران در تلاش برای حل مسأله به نفع همه کشورهای ساحلی و حفظ منافع انرژی و اکولوژی دریای خزر با هم متحد می‌شوند.

۴-۲- سیاست منطقه‌ای چین به‌عنوان عامل خارجی

چند دلیل مهم برای جلب توجه چین به رویدادهای شرق مدیترانه و خاورمیانه وجود دارند: یکم، این منطقه صادرکننده اصلی نفت و گاز به چین است. توجه پکن به این منطقه، راه انتقال انرژی از خلیج پارس را بی‌خطر می‌کند. رهبری چین اقداماتی را اتخاذ می‌کند که ماهیت پیشگیرانه دارد و مانع از ترانزیت انرژی از راه تنگه خطرناک مالاکا می‌شود. این اقدامات با تأمین زیرساخت‌های ترابری انرژی در پاکستان، بنگلادش و سری‌لانکا صورت گرفته است.

دوم، چین در بیست سال گذشته در میان شرکای تجاری ایران به جایگاه دوم دست پیدا کرده است. سهم صادرات نفت از خاورمیانه و از جمله ایران در واردات چین همچنان رو به رشد است. به همین خاطر، چین واقعاً به ثبات منطقه توجه دارد و این عامل را در استراتژی سیاست خارجی خود در نظر می‌گیرد. سال‌های دهه ۲۰۰۰ ایران حق توسعه میدان‌های نفتی خود را به چین و هند داده و به تشویق سیاست سرمایه‌گذاری در بخش نفتی خود پرداخت. شرکت‌های چینی در بازار ایران بیشتر در حوزه استخراج نفت و گاز و فراوری نفت، انرژی برق، ساخت مترو، سد، کارخانه تولید سیمان، ریخته‌گری و کشتی‌سازی فعال هستند. به این ترتیب، چین شریک مهم اقتصادی ایران و خریدار اصلی انرژی و هم‌چنین سرمایه‌گذار کلیدی در پروژه‌ها و طرح‌های زیرساختی این کشور شده است. چین و ایران هم‌چنین به خاطر نقطه نظرات مشترک نسبت به ساختار روابط امروز دنیا و مشکلات اصلی توسعه بین‌الملل به یکدیگر نزدیک می‌شوند. چین نیز همچون ایران نسبت به پیدایی هر هژمونی و قدرت نمایی واکنش منفی نشان می‌دهد. هر دو کشور معتقد به حمایت از نظام چندقطبی جهانی، یکپارچگی منطقه و تمامیت ارضی دولت‌ها هستند.

چین در برنامه هسته‌ای ایران موضع کاملاً مشخصی دارد: دستیابی ایران به سلاح اتمی مجاز نیست، اما تحریم‌ها و رویارویی نیز نتایج مثبتی در بر ندارند. به همین خاطر تنها راه حل مسأله هسته‌ای ایران گفت‌وگو است. چین و روسیه در این بخش یکسان عمل می‌کنند. طی سال‌های ۱۹۹۰ چین به‌طور رسمی در گسترش برنامه هسته‌ای ایران همکاری کرد. اما بعدها زیر فشار ایالات متحده آمریکا مجبور به خودداری از همکاری کامل با ایران در این حوزه شد. با این حال، اگر ایران بتواند حق خود را برای اتم صلح‌آمیز بدست آورد،

همکاری با چین در این حوزه از سر گرفته خواهد شد. روسیه باید برای دریافت حق همکاری در حوزه اتمی ایران با چین رقابت کند.

برای ایران گسترش مناسبات با چین به معنای برخورداری از پشتیبانی تکمیلی یکی از رهبران نظم نوین جهانی است و از نظر اقتصادی به معنای جذب سرمایه‌های بزرگ در آینده می‌باشد. مسأله سرمایه‌گذاری، پس از کاهش تحریم‌های بین‌المللی شکل جدی به خود می‌گیرد. با این حال به محض باز شدن بازار ایران، چین برای روسیه بی‌تردید یکی از رقبای اصلی در این بازار خواهد بود.

سوم، مقامات چین بدون این که اشاره‌ای مستقیم بکنند، می‌خواهند جایگاهی محکم‌تر و باثبات در خاورمیانه داشته باشند. در پکن متوجه این موضوع هستند که زمان احیای سوریه فرا می‌رسد و چین می‌تواند در این فضا یک رهبر منطقی باشد. چین به‌عنوان «ابر قدرت اقتصادی» در جهان نه تنها از منابع مادی کافی برخوردار است، که عملاً تجربه و کادر متخصص برای انجام پروژه‌های بزرگ را نیز دارد. در اینجا پشتیبانی و شراکت با متحد اصلی سوریه یعنی ایران، بی‌تردید به سود چین خواهد بود.

چهارم این که، چین همراه با گسترش مناسبات با کشورهای منطقه، تلاش دارد از نظر سیاسی در مناسبات خود با ایران، عربستان سعودی و کشورهای کوچک پیرامون خلیج فارس کاملاً درست عمل کند. تلاش برای دوری از تصمیمات تند (ویژگی سنتی دیپلماسی چین در منطقه) و پشتیبانی از مناسبات خوب با همه دولت‌ها (بدون جانب‌داری از هیچ دولتی) از ویژگی‌های سیاست خارجی پکن است. این سیاست برای چین منفعت سیاسی به همراه داشته است.

به این ترتیب، عامل چین اکنون در منطقه به واقع اهمیت پیدا کرده است. از یک سو، چین با روسیه وارد عمل می‌شود و در لغو تحریم‌های وضع شده علیه ایران و هم‌چنین حل مسأله هسته‌ای ایران از راه دیپلماتیک همکاری می‌کند. از سوی دیگر، بی‌تردید منابع قوی تر اقتصادی در اختیار دارد که می‌تواند در بازار ایران سهم بیشتری از روسیه به دست آورد. به همین خاطر، رقابت روسیه و چین در عرصه ایران اجتناب‌ناپذیر است.

توصیه‌ها

مسئله اصلی گسترش مناسبات دوجانبه ایران و روسیه، در سطح و درجه نزدیک شدن دو کشور خلاصه می‌شود. با در نظر گرفتن همه نکات مثبت اشاره شده در این پژوهش، یادآوری پیامدهای احتمالی حاصل از چرخش مناسبات مشارکتی ضروری و طبیعی ایران - روسیه در روابط استراتژیک لازم به نظر می‌رسد. در این زمینه برخی از سیاستمداران و سیاست‌پردازان تهران و مسکو بسیار سخن گفته‌اند. پرسش اینجاست که چه مرزهایی را می‌توان برای نزدیک شدن ایران و روسیه به هم تعیین کرد که منافع روسیه صدمه نینند؟ چطور باید اقدام کرد که روسیه همراه با حفظ روابط شراکتی غنی با جمهوری اسلامی ایران که قطعاً برای هر دو طرف سودمند است، بتواند از گفت‌وگوهای خود با دولت‌های غربی و اوراسیا کنار زده نشود؟

۱- به احتمال قوی نیاز به رویکردی عملگرایانه در مناسبات با ایران وجود دارد، به گونه‌ای که مسکو درگیر مشکلات ایران نشود و در عین حال این رویکرد مبتنی بر افزون کردن روابط سودمند تجاری - اقتصادی، علمی، فنی - نظامی و فرهنگی دوجانبه باشد.

۲- در عین حال باید نسبت به خطرات ناشی از دکترین نظامی - سیاسی کنونی ایران، نگاهی منطقی و طبیعی داشته باشیم. این دکترین مبتنی بر اتحاد کامل ادیان، ایدئولوژی و سیاست، لزوم «ترویج ایده انقلاب اسلامی» توسط رژیم کنونی ایران در دیگر کشورها و پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی در همه جهان است. طبق آموزه‌های امام خمینی، دین، ایدئولوژی و سیاست در یک جا با هم قرار می‌گیرند. به این ترتیب اندیشه‌های شیعی در تفکرات سیاسی راه پیدا می‌کنند. بنابراین ضروری است که روسیه در روابط خود با کشور شیعی مذهب ایران، بعد مذهبی، اخلاقی و روان‌شناسی را در نظر داشته باشد. سیاست مبتنی بر ایدئولوژی شیعی می‌تواند تبدیل به ابزاری گردد جهت بهره‌برداری منافع روسیه در ایران و نیز دستیابی تهران به اهدافی که هیچ تضادی با منافع ملی روسیه ندارد.

۳- بر همین اساس، صحیح‌تر این است که مناسبات روسیه و ایران در چشم‌انداز آینده نزدیک به عنوان «مشارکت همراه با احتیاط» تعریف شود. تنها تلاش دو طرف می‌تواند زمینه اعتمادسازی را فراهم کند و بدون آن، شراکت استراتژیک و ایجاد اتحادیه در مناسبات دو کشور حاصل نخواهد شد.

۴- در صورت به دست آمدن توافقات و لغو تحریم‌های جهانی علیه ایران و یا

دست کم کاهش این تحریم‌ها، روسیه باید همکاری‌های تجاری - اقتصادی پر نوسان خود را با ایران از سر گرفته و اقدامات لازم را برای افزایش این همکاری‌ها در آینده انجام دهد. امکانات رقابتی روسیه در بازار ایران محدود است. در این میان، بازار سلاح و ابزارهای جنگی، تجهیزات اتمی، نفتی و صنایع انرژی، طرح‌های مربوط به راه‌آهن و طرح‌های حوزه مطالعاتی فضایی استثنا هستند. باید همه روابط دیپلماتیک، تلاش‌های سازمانی و ارتباطی را برای یک تا چهار سال آینده روی این بخش‌ها متمرکز نماییم.

تجربه به دست آمده از برنامه‌های بزرگ همکاری روسیه با کشورهای چین و هند که نتایج مثبت به همراه داشته‌اند را باید به کار گرفت و برنامه‌ای در همین ابعاد میان روسیه و ایران در حوزه تجاری - اقتصادی تعریف کرد. برای رسیدن به این هدف لازم است که:

الف) فهرستی از یادداشت‌های تفاهم امضا شده، اسناد و توافقات صورت گرفته که به مرحله اجرا نرسیده‌اند تهیه شود تا آن دسته که چشم‌انداز روشن‌تری دارند را به اجرا در آورد. در این میان می‌توان به پروتکل نشست دهم کمیسیون دایم روسیه و ایران در امور همکاری‌های تجاری - اقتصادی اشاره نمود که روز ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ توسط آقای نواک رییس بخش روسی کمیسیون وزرای انرژی روسیه و ایران، آقای صالحی رییس بخش ایران و وزیر وقت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به امضا رسیده است. این سند از نظر حقوقی شامل توافقاتی است که میان دو طرف و در حوزه گسترش و تحکیم همکاری‌های انرژی، استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی، حوزه پولی، امور بانکی و بیمه، صنعت، متالورژی، بازرگانی و گمرک، ترابری، فضا، ارتباطات و مخابرات، کشاورزی و آب، محیط زیست، تحصیل و علم، فناوری، بهداشت و سلامت، پشتیبانی اجتماعی، گردشگری و شراکت منطقه‌ای دو کشور تنظیم شده است.

ب) می‌توان در مدت یک سال اسنادی را آماده و امضا کرد که بستر حقوقی را برای اقدام سریع طرح‌های مورد توافق پس از کاهش یا لغو تحریم‌ها آماده می‌سازند (اگر طرح‌ها شامل تحریم می‌شوند).

پ) در کوتاه‌ترین مدت، ارتباطاتی قابل اعتماد در همه سطوح در ارگان‌های دولتی ایران و شرکت‌های بزرگی که در این پژوهش نام برده شده‌اند درست کنیم (یا شرایطی را برای ایجاد این ارتباط پس از کاهش یا لغو تحریم‌ها فراهم نماییم).

ت) به‌طور همزمان کار روی بهتر کردن تصویر روسیه در ایران (به‌ویژه در سطح دولتی) را آغاز کرده و فضای منفی موجود در میان جامعه متخصصین و مردم ایران را در رابطه با فدراسیون روسیه از میان برداریم؛ با این هدف که فضایی مناسب برای توسعه روابط سیاسی و تجاری - اقتصادی در آینده فراهم نماییم.

ج) در آینده کوتاه مدت، لازم است که روابط تجاری - اقتصادی روسیه را در بازار ایران به‌طور فعال بیشتر کنیم. می‌توانیم کالاهایی را عرضه نماییم که آمریکا و اروپای غربی به دلیل مسایل سیاسی و یا فرصت نداشتن پیش از لغو تحریم‌ها نمی‌توانند پیشنهاد کنند. بایستی راه‌های لجستیک را با در نظر گرفتن تشکیل گروه بریکس (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) محقق کرد و ظرفیت‌های از سر گرفتن تجارت با کشورهای غربی را بررسی نمود.

چ) در مدت یک سال باید نبض توسعه روابط را در سطح واحدهای فدرال از سوی روسیه و استان‌های ایران تقویت کرد. این روابط هم اکنون در برخی مناطق به خوبی در حال پیشرفت هستند و تجارت‌های خرد و متوسط دو کشور را به خود مشغول کرده‌اند و این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. برای نمونه می‌توان از منطقه آستاراخان نام برد.

ح) با دادن اختیارات به یکی از بانک‌های دولتی روسیه می‌توان بانک تازه‌ای با سرمایه مجازی به مبلغ دست کم ۵ میلیارد دلار برای پرداخت‌های مستقیم و تأمین اعتبارات برای انجام طرح‌ها و پروژه‌هایی برپا کرد که تحقق آنها بدون پرداخت مستقیم امکان‌پذیر نیست. هم اکنون هیچ کدام از بانک‌های بزرگ روسیه با ایران همکاری نمی‌کنند.

خ) تشکیل یک سازمان غیروابسته در روسیه متشکل از متخصصین حرفه‌ای در امور ایران، مهندسین و مدیران بازرگانی. در تعامل با نماینده تجاری روسیه در ایران و اتاق تجارت و صنعت فدراسیون روسیه و امکانات گسترده به دلیل غیردولتی بودن، این سازمان می‌تواند به فعالیت بازاریابی مشغول شود، گفت‌وگوهایی با سفارش‌دهندگان دارای ظرفیت در ایران انجام دهد و تقاضای مشخص آنان را به تولیدکنندگان در روسیه منتقل نماید؛ ضمن این که همه اطلاعات و برنامه‌ها به‌صورت محرمانه حفظ می‌شوند.

ک) تشکیل گروه مناقصه‌کاران بین‌المللی برای تعامل با سازمان مذکور و معاملات و

داد و ستد، فروش نفت، گاز و پتروشیمی در چارچوب ضمانت‌های صورت گرفته در اعتبارات، فروش سوآپ در بازار کشورهای منطقه آسیا - اقیانوسیه. شرکت ملی نفت ایران امروز آماده است تا عملیات مشابهی را در صورت حضور سازمانی با کفایت از طرف روسیه به اجرا درآورد. برای نمونه، چین برای پرداخت بهای نفت وارداتی در سه ماه سوم سال ۲۰۱۳، مجبور شد به ایران محصولات ساخت ماشین بفرستد.

گ) به یک بانک صادرات - واردات روس اختیاراتی بدهیم تا بتواند به صادرات صنایع و طرح‌های صنعتی «کلیدی» که توسط شرکت‌های روس در ایران به اجرا درمی‌آیند اعتبار بدهد. امروز تنها مزیت رقابتی چینی در این است که دولت چین از طریق «اکسیم بانک» چین ۷۰ درصد پروژه‌هایی که شرکت‌های چینی در ایران انجام می‌دهند را تأمین مالی می‌کند.

ل) انجام پروژه‌ها برای ساخت واحد دوم انرژی اتمی در بوشهر را تسریع کنیم و شرکت‌های روسی را ترغیب نماییم که به بازار ایران برگردند.

تنها با انجام مجموعه اقدامات برشمرده و حضور فعال ایران و روسیه می‌توان مناسبات اقتصادی روسیه - ایران را به سطح جدید رساند. این مسأله نه تنها به ثبات مناسبات تجاری - اقتصادی مربوط می‌شود، که سطح بالای مناسبات پولی، اقتصادی و تجاری علی‌رغم موانع ایدئولوژیک، به ایجاد اعتمادسازی کمک کرده و اختلاف‌نظرهای سیاسی را کاهش داده، حسن تفاهم ایجاد می‌کند.

۵- در آینده میان مدت، بهتر است که همکاری‌ها با تهران در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای گسترش پیدا کند. این اقدام از نظر امنیت و کسب سود اقتصادی به دلیل پیوستن این کشور به همکاری‌های منطقه‌ای برای ایران سودمند است. افزون بر این، سازمان شانگهای نیز با در نظر گرفتن نقش و وزن ایران و ظرفیت‌های اقتصادی آن به‌ویژه در حوزه انرژی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیایی این کشور، از حضور ایران سود می‌برد.

۶- نباید این موقعیت را از نظر دور کرد که ممکن است در آینده، ایران به اتحادیه گمرکی نیز ملحق شود. این مسأله تا حد زیادی ابعاد این ساختار مهم منطقه‌ای را گسترش می‌دهد.

۷- در آینده نزدیک (یک سال)، باید میزگردی تشکیل داده و بحث‌های تخصصی در

خصوص مشارکت روسیه و ایران با حضور نمایندگان مقامات دو کشور (وزارت امور خارجه، وزارت خانه‌های کلیدی، بازرگانان و کارشناسان) تشکیل داد تا دستور کار روز برای گسترش مناسبات دو جانبه تدوین گردد.

مسئولیت‌های روسیه در قبال ایران، همان‌طور که گفته شد، متنوع است. اما انجام آنها با تلاش برای گسترش تدریجی مناسبات با حکومت کنونی ایران انجام می‌شود. بهتر است که تلاش برای گسترش مناسبات همراه با نگره داشتن سویچ مهار ایران در همکاری با غرب و آسیب به منافع کشور ما باشد. ضمن این که بایستی از بروز شرایطی که ایران تحقق ظرفیت «دولت هسته ای شدن» را ضروری ببیند، خودداری کرد. ایران عملاً تبدیل به دولت هسته‌ای شده است.

با این حال، تنها تلاش دیپلماتیک برای غلبه بر بحران در مناسبات دوجانبه کافی نیست. لازم است که همه اهرم‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به کار بگیریم تا مناسبات ایران و روسیه به سطح سیستماتیک برسد. مهم این است که در چشم‌انداز نزدیک، بهبود مناسبات ایران با آمریکا و غرب، همکاری‌های روسیه - ایران و تعاملات دو کشور دستخوش آسیب نگردد. البته، خیلی مسایل بسته به این هستند که عادی‌سازی مناسبات با غرب آیا برای رفع نیازهای ایران در حوزه پیشرفت به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای کافی است یا خیر. در هر صورت، شرایط به هر شکل که پیش برود، طرفین باید ضرورت حفظ سطح مناسبات کنونی را به‌عنوان حداقل‌ها، و تکامل بعدی آن تا بالاترین حد را در نظر داشته باشند.

کاملاً روشن است که خنثی بودن در «جبهه ایران» منجر به شکست روسیه در بازار رقابتی با اروپای غربی و آمریکا بر سر ایران شده و عرصه را بر روسیه تنگ می‌کند. در نتیجه، روسیه از شرکت در فرایندهای سیاسی - اقتصادی خاورمیانه کنار گذاشته می‌شود و نفوذ خود را در شرق دور و نزدیک از دست می‌دهد.

سناریوها

شاید زمان آن رسیده که سناریوهایی را به اجرا بگذاریم که منبای آنها به جای طرح‌های ژئوپلیتیک، تعاملات نظام‌مند - تکنیکی باشد، یعنی گفت‌وگوی مؤثر با جهان بیرون در چارچوب همگرایی منطقه‌ای که می‌تواند توسعه جهانی در سده بیست و یکم را تعیین کند.

سناریوی استراتژیک ۱: گفت‌وگو و مشارکت سازنده و به دور از اختلاف

تداوم و تعمیق مناسبات ایران - روسیه در شرایطی که ابهامات و حوادث غیرقابل پیش‌بینی در دنیایی که به سوی جهانی شدن در پیش است، رو به رشد است. حضور مشترک در اجرای طرح‌های نظام‌مند - تکنیکی اوراسیا و پروژه‌های زیرساختی و تجاری. برنامه بزرگ همکاری‌های تجاری - اقتصادی ایران - روسیه. رسیدن آرام‌آرام به سطح قابل اعتماد و ممتاز در شراکت دو کشور. منافع مشترک در حوزه امنیت در «خاورمیانه بزرگ». همکاری در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای، اتحادیه اوراسیا و دیگر سازمان‌ها.

سناریوی استراتژیک ۲: پیش بردن منافع روسیه از راه گسترش مناسبات با جمهوری اسلامی ایران

روسیه و ایران در حال ایجاد مشارکت عملگرایانه بر مبنای منافع مشترک تجاری - اقتصادی هستند. با این حال، سیاست مبتنی بر ارزش‌گذاری‌های گوناگون، مانع از نزدیک شدن بیشتر می‌شود. روسیه اتحادیه اوراسیایی تشکیل می‌دهد. ایران در جنوب غرب آسیا اتحاد امت اسلامی تشکیل می‌دهد. در اینجا از مرزهای تعامل دوستانه بیرون می‌رویم، رقابت درست می‌شود، اگر نام آن را تهدید برای بروز درگیری نگذاریم.

سناریوی استراتژیک ۳: حفظ شرایط موجود در مناسبات ایران و روسیه به همین صورت که امروز هست

ماهیت مناسبات و دامنه موضوعات کلیدی حل نشده عملاً تغییر نکرده است. همکاری در برخی حوزه‌ها. مشارکت محتاطانه. نتایج احتمالی - بالا گرفتن مشکلات نظامی - سیاسی و اجتماعی. خروج روسیه از جنوب.

اقدام نکردن در «جبهه ایران» منجر به شکست در مبارزه رقابتی با اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا بر سر ایران و بیرون راندن روسیه از بازار ایران و در نتیجه از منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک می‌شود.

سناریوی استراتژیک ۴: جنگ سرد

روسیه و ایران در یافتن زمینه‌های مشترک شکست خورده‌اند. ورود آمریکا و ایجاد سامانه

نوین ثبات منطقه‌ای و همکاری بین‌المللی در فضای به وجود آمده. در دریای خزر بوی مانورهای بزرگ برای اجرای پروژه‌های مربوط به انتقال انرژی از منطقه و ساخت شاخه‌های ترانس اوراسیایی می‌آید. کاهش شدید سطح همکاری‌ها. مجاورت و همسایگی با شرط احتیاط. مشارکت اجباری.

منابع

۱. او. کاسایف. ایران: شرایط اقتصادی و روابط تجاری با روسیه // انستیتوی خاورمیانه-۲۴ ژوئن ۲۰۱۳.
- در تاریخ ۲۲ سپتامبر سال ۲۰۱۳ روسیه به ایران نیروگاه اتمی بوشهر را تحویل داد.
- در صورت تمایل طرف ایرانی ما آماده‌ایم به ایران در ساخت نیروگاه اتمی کمک کنیم. این در صورتی است که به برنامه هسته‌ای ایران مجوز داده شود و ارتباط با او در دسترس‌ساز نباشد. // وستی قفقاز-۱۱ نوامبر ۲۰۱۳
- ساژین وای (۲۰۱۱)؛ ظرفیت موشکی - هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران. مسکو: دانشگاه دولتی مسکو، صص ۳۴-۳۳.
- سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در جمع دانشجویان و مجصلین در نوامبر سال ۲۰۱۳.
- فرمان شماره ۱۱۵۴ مورخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در مورد «اقدامات اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰».
- قرارداد تحویل موشک‌های اس-۳۰۰ از جانب روسیه به ایران، در دسامبر سال ۲۰۰۵ و یا ۲۰۰۷ (سند رسمی وجود ندارد) امضا شد. در خصوص آغاز عملیات اجرایی تحقق قرارداد گزارشی وجود ندارد.
- نقشه راه تجارت داخلی برای شرکای روسی فعالیت‌های اقتصادی خارجی / وزارت توسعه اقتصادی فدراسیون روسیه. مسکو، ۲۰۱۳، ص ۵.
- و. ساژین. ایران: روحانی میراث سنگینی را گرفت // پورتال «رئیس» - ۱۶ جولای ۲۰۱۳.
- یورتایف وای (۲۰۱۲)؛ ویژگی‌ها و تحقق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۱۹۷۹)، مسکو، دانشگاه دولتی دوستی ملل، ص ۲۴۴.
- URL: <http://www.president.ir/fa/17.10.2007>. (на перс. яз.)
- «Дорожная карта» ирано-российского сотрудничества в области энергетики принята в июле 2010 г. с целью определения направлений развития двустороннего ирано-российского сотрудничества и сфер для совместных инвестиций на ближайшие 30 лет.
- 40 Евсеев В.В. Военно-политические аспекты иранской ядерной проблемы. М., 2010. С. 122.
- Central Bank of the Islamic Republic of Iran. Annual report 2011-2012. P. 18. URL: <http://www.cbi.ir/showitem/10605.aspx>
- Clawson P. Talk is cheap // Foreign Affairs. N.Y., 2013, Sep. 24.
- Doing Business (Оценка бизнес регулирования) // Всемирный Банк. URL: <http://www.russian.doingbusiness.org/data/exploreeconomies/iran>
- Dunaeva E. Russo-Iranian Political Relations in the First Decade of the Twenty-First Century // Iranian Studies. Special Issue: Power interplay between Iran and Russia from the Mid-Seventeenth to the early Twenty-First century. 2013. Vol. 46, Issue 3; Дунаева Е.В. Российско-иранские отношения на современном этапе // Иран при М. Ахмадинежаде. М., 2013. С. 91, 102; Интервью жителей Тегерана, проведенные В.И. Сажиним в период 5-15 июня 2009 г.
- Friedman G. The U.S.—Iran talks: ideology and necessity // Geopolitical Weekly [сайт]: November 12, 2013.
- Ibid. P. 163.
- International Monetary Fund. World Economic Outlook. October 2013. P. 75, 158. URL: <http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2013/02/pdf/text.pdf>
- Iranu-v-stroitelstve-AES.html

- SWIFT (Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunications, Сообщество всемирных межбанковских финансовых телекоммуникаций) – международная межбанковская система передачи информации и совершения платежей. Подробнее см.: URL: <http://www.slovarius.ru /253929>
- URL: http://www.businesspravo.ru/Docum/DocumShow_DocumID_78300.
- URL: <http://www.ekhokavkaza.com/archive/news/20130928/3235/2759.html? id=25120526>
- URL: <http://www.iimes.ru/?p=17765>
- URL: http://www.iran.ru/news/analytics/91223/Vrunishka_Kerri
- URL: http://www.iran.ru/news/analytics/91425/Zheneva_Proryv_v_novuyu_realnost
- URL: <http://www.kommersant.ru/doc/2228811>
- URL: <http://www.lenta.ru/news/2013/03/04/banknotes>
- URL: <http://www.luckycamper.net/country/иран/все-о-иране/5883-демография-ирана>
- URL: <http://www.news.rambler.ru/20110904>
- URL: <http://www.newsru.com/world/13sep2013/ruhani.html>
- URL: http://www.ng.ru/ngreligii/2010-05-19/6_cheaters.html
- URL: <http://www.president.ir/fa/> (дата обращения: 12.10.2007). (на перс. яз.)
- URL: <http://www.pronedra.ru/gas/2013/09/13/iran-zarubezhneft>
- URL: <http://www.rg.ru/2010/09/24/res-iran-dok.html>
- URL: <http://www.rosbalt.ru/main/2013/10/31/1194516.html>
- URL: <http://www.rosenergo.gov.ru/upload/000016a.pdf>
- URL: http://www.russian.khamenei.ir/index.php?option=com_content& task=view&id=1069
- URL: http://www.stratfor.com/weekly/us-iran-talks-ideology-and-necessity?utm_source=freelistf&utm_medium=email&utm_campaign=20131112&utm_term=Gweekly&utm_content=readmore&elq=40b63773030c4f_0296884cb7d97a853a (дата обращения 12.11.2013).
- URL: <http://www.sukhoi.org/planes/military/su24mk/history/>
- URL: <http://www.ved.gov.ru>
- URL: http://www.ved.gov.ru/exportcountries/ir/about_ir/eco_ir
- URL: <http://www.ved.gov.ru/files/images/country/Iran/Law%20and%20the%20instructions%20for%20use%20of%20the%20law%20On%20the%20promotion%20and%20protection%20of%20foreign%20investment.pdf>
- URL: <http://www.vestikavkaza.ru/news/40524.html>
- URL: <http://www.vestikavkaza.ru/news/YAponiya-gotovapomoch->
- URL: <http://www.voprosik.net/gazprom-idet-v-pakistan-s-iranskim-gazom>
- URL: http://www.пир-центр.рф/kosdata/page_doc/p1893_1.pdf
- URL: http://www.iran.ru/news/economics/89844/Ushakov_Tovarooborot_Rossii_i_Irana_sokratilsya_v_2012_godu_iz_za_sankciy_ES_i_SShA_na_37_9
- URL: http://www.mid.ru/BDOMP/spd_md.nsf/0/F758C75BECC151C044257C6A003E9CD2
- URL: <http://www.riss.ru/index.php/my-v-smi/276-sammit-kaspiyskiy-gosudarstv#.UkWVRdL7o2k>
- URL: <http://www.rosbalt.ru/main/2013/09/26/1180193.html>; <http://www.tvc.ru/news/show/id/17214>
- URL: <http://www.russian.irib.ir/news/economica/item/>
- Аналитический обзор о состоянии и перспективах развития торгово-экономических связей субъектов Российской Федерации с Ираном // Министерство экономического развития РФ. URL: http://www.ved.gov.ru/exportcountries/ir/ir_ru_relations/ir_ru_trade/ir_ru_trade_subjects
- Аналитический обзор о состоянии и перспективах развития торгово-экономических связей субъектов Российской Федерации с Ираном // Министерство экономического

- развития РФ. URL: http://www.ved.gov.ru/exportcountries/ir/ir_ru_relations/ir_ru_trade/ir_ru_trade_subjects
- Ближнего Востока. 6 июня 2007. URL: <http://www.iimes.ru/?p=5843>
 - В Индексе восприятия коррупции (ИВК) в 2012 г. Иран и Россия набрали по 28 баллов и разделили вместе с Коморами, Гондурасом, Гайаной и Казахстаном 133-е место из 176 возможных. ИВК за 2012 г. ранжирует 176 стран мира по шкале от 0 до 100 баллов. Ноль обозначает самый высокий уровень восприятия коррупции, а сто – наименьший // Transparency International Russia. 05 декабря 2012 г. URL: <http://www.transparency.org.ru/indeks-vospriatiia-korruptcii/rossiia-v-indeks-vospriatiia-korruptcii-2012-novaia-tochka-otscheta>
 - В интервью ИТАР-ТАСС и телеканалу «Россия» 11 октября 2007 г. Махмуд Ахмадинежад провозгласил готовность Исламской Республики Иран к установлению с Россией «долгосрочных, эффективных и максимально широких отношений» // Руководство Исламской Республики Иран: [официальный сайт].
 - В Коране Аллах называется «лучшим из хитрецов»: «И хитрили они, и хитрил Аллах, а Аллах лучший из хитрецов» (3:47); «лучшим из ухищряющихся»: «Вот ухищряются против тебя (Пророка Мухаммада – «НГР») те, которые не веруют, чтобы задержать тебя или умертвить, или изгнать. Они ухищряются, и ухищряется Аллах. А ведь Аллах – лучший из ухищряющихся!» (8:30); «...Ведь Моя хитрость прочна» (7:182); «... ведь кознь Моя крепка» (68:45); «Они ведь замышляют хитрость. И Я замышляю хитрость» (86:15–16); «Поистине, лицемеры пытаются обмануть Аллаха, тогда как Он обманывает их» (4:141); «...У Аллаха – вся хитрость» (13:42). См. подробнее: Игнатенко А. Указ. соч.
 - Внешнеторговый путеводитель для российских участников внешнеэкономической деятельности. Иран / Министерство экономического развития РФ. М., 2013. С. 13–14.
 - Внешнеторговый путеводитель... С. 15.
 - Внешнеторговый путеводитель... С. 22.
 - Востока [сайт]. 8 июля 2013 г. URL: <http://www.iimes.ru/?p=17884>
 - Время новостей. URL: <http://www.vremya.ru/2001/42/3/9940.html>
 - Дипломаты «перерисовывают» планы по Ирану // Armenia Today [сайт].
 - Дунаева Е.В. Иран и Россия в современной геополитике // Восток (Oriens). М., 2012. № 4. - С. 75–76
 - Дунаева Е.В. Российско-иранские отношения — взгляд из Тегерана // Институт Ближнего Востока. 29 апреля 2010 г. URL: <http://www.iimes.ru/?p=10554>; Интервью жителей Тегерана, проведенные В.И. Сажиним в период 5–15 июня 2009 г.
 - ИА REGNUM, 13.09.2013. URL: <http://www.regnum.ru/news/polit/1707429.html>
 - Игнатенко А. Войны хитрецов // НГ-Религии. 19 мая 2010 г.
 - Из расчета 95–105 долл. за баррель нефти в последние годы
 - Источник: IMF Direction of Trade Statistics Yearbook 2012.
 - ИТАР-ТАСС, 28 сентября 2013 г. URL: <http://www.itar-tass.com/c11/894471.html>
 - Касаев Э.О. Иран: экономическая ситуация и торговые отношения с Россией // Институт Ближнего Востока [сайт]. URL: <http://www.iimes.ru/?p=17765>
 - Кожанов Н.А. Корпус стражей исламской революции (КСИР) и экономика ИРИ. 28 июля 2009 // Институт Ближнего Востока. URL: <http://www.iimes.ru/?p=9063>
 - Кожанов Н.А. Социально-экономическая ситуация в Иране: май 2013 г. // Институт Ближнего
 - Министерство экономического развития РФ // Портал внешнеэкономической информации [сайт]. URL: http://www.ved.gov.ru/exportcountries/ir/ir_ru_relations/ir_ru_trade

- Московская торгово-промышленная палата [сайт]. 03.02.2013. URL:<http://www.russian.irib.ir/analitika/stati/item/165674>
- Например, в ходе переговоров неприемлемо даже никакого намека или упоминания об алкоголе.
- По материалам бизнес-форума «Особенности ведения бизнеса в Иране» (21 октября 2013 г.) // Московская торгово-промышленная палата [сайт].
- Подробнее см.: Военно-техническое сотрудничество России с иностранными государствами: основы, проблемы и перспективы / Под ред. Н.И. Калининой. М.: ИМЭМО РАН, 2010. С. 172–176.
- Подробнее см.: Саруханян С.П. Ядерный фактор в российско-иранских отношениях. М., 2007.
- Приведенные ниже данные по перспективным направлениям развития российско-иранского торгово-экономического сотрудничества основываются на материалах Министерства экономического развития РФ // Портал внешнеэкономической информации [сайт].
- Российское энергетическое агентство [сайт]. 15 декабря 2011ю
- Российско-Иранский деловой совет. URL: <http://www.ribc-tpprf.ru/news/astraham-vorotaviran>
- Руководство Исламской Республики Иран: [официальный сайт].
- Сажин В. Какой Иран выгоден России? // Время новостей. 05 марта 2010. № 37.
- Сажин В. РФ и Иран открыли новые возможности для военно-технического сотрудничества. 23 октября 2013 // Радио «Голос России» [сайт]: URL: http://www.rus.ruvt.ru/2013_10_23/RF-i-Iran-otkrili-novie-vozmozhnosti-dlja-voenno-tehnicheskogo-sotrudnichestva-5109
- Сажин В.И. Президент Ирана Ахмадинежад – портрет в политическом интерьере // Институт
- Сажин В.И. Ракетно-ядерный потенциал Исламской Республики Иран. Состояние и перспективы развития. М., 2011. С. 17–19.
- Состав кабинета // РИА Новости. 13 августа 2013. URL: <http://www.ria.ru/world/20130813/956022211.html#ixzz2khyLYpNq>
- Справка о торгово-экономическом сотрудничестве между Российской Федерацией и Исламской Республикой Иран. URL: <http://www.economy.gov.ru/wps/wcm/connect/6c50d4a9-c43a-4760->
- Там же. С. 16.
- Там же. Указ. соч. С. 14.
- Хамшахри, 25.06.2013 (на перс. яз.)
- Юртаев В.И. Особенности и реализация внешней политики Исламской Республики Иран (1979–2010 гг.). М.: РУДН, 2012. С. 62–66.
- URL:http://www.armtoday.info/default.asp?Lang=_Ru&NewsID=97744&SectionID=1&PagePosition=1&search=%D0%BD%D0%B5%D1%84%D1%82%D1%8C&mode=all words (дата обращения 05.10.2013).

وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و چشم‌انداز حل آن

نویسنده: وی. نوویکوف

برای بررسی دقیق چشم‌انداز حل وضعیت برنامه هسته‌ای ایران لازم است زمینه‌های پیدایش آن مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل باید دو موضوع در نظر گرفته شود. **نخست.** وضعیت کنونی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، نتیجه تحقق برنامه‌ای است که در دهه هفتاد سده پیش در زمان محمدرضا شاه پهلوی اتخاذ شده بود. **دوم.** تاکنون در تحقق این برنامه دانشمندان و مهندسان ایرانی بسیاری فعالیت کرده‌اند که بیشتر تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، در خارج از ایران تحصیل کرده بودند.

برنامه هسته‌ای ایران در زمان محمدرضا شاه پهلوی

باید خاطر نشان کرد که از هنگام آغاز تحقق برنامه هسته‌ای، رهبران کشور به واردات فن‌آوری‌های مرتبط به منظور دستیابی حداکثر میزان امنیت در این حوزه تمایل داشتند. به همین دلیل در مراحل آغازین طرح، دستیابی به سلاح هسته‌ای در برنامه نبود، زیرا تهدید مستقیم خارجی برای رژیم شاهنشاهی احساس نمی‌شد. با این حال پس از اجرای آزمایش «فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای» هند در سال ۱۹۷۴، سران کشور به‌طور جدی در مورد پیش‌نیازهای علمی - فنی ساخت سلاح هسته‌ای با در نظر گرفتن فقدان فناوری غنی‌سازی اورانیوم و بازتولید سوخت هسته‌ای (SNF) احساس نگرانی کردند. به منظور فراگیری چنین فناوری‌هایی، تلاش‌هایی شامل آماده‌سازی کادرهای مرتبط در خارج از کشور، واردات فن‌آوری، خرید سهام شرکت فرانسوی «یفرودیف» در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و شرکت در R&D کشورهای هسته‌ای صورت گرفت.

در زمینه تأسیس بخش‌های هسته‌ای لازم، برنامه‌های انبوه گسترش انرژی هسته‌ای، مانند

ساخت ۲۰ واحد، ابتدا با کمک پیمانکاران خارجی و سپس با افزایش سهم تجهیزات تولیدی ایران در این برنامه اتخاذ شد. افزون بر آن، براساس منطق شاه ایران، گسترش انرژی هسته‌ای امکان افزایش قابل توجه سطح فنی کشور را نیز فراهم می‌کرد.

اما در نیمه دوم دهه ۷۰، متخصصین ایرانی به این نتیجه (اگرچه به صورت رسمی اعلام نشده است) رسیدند که براساس برخی دلایل، تحقق برنامه درخواستی گسترش انرژی هسته‌ای در مقیاس انبوه میسر نیست و ایران به سوی کاهش شمار واحدهای انرژی سوق داده شد. در این رابطه باید خاطر نشان کرد در طرح کاهش، مواردی در خصوص فن‌آوری‌های دقیق گنجانده نشده بود؛ یعنی تلاش برای تحقق برنامه‌ای با عنوان «چرخه کامل سوخت» در برنامه تصحیحی انرژی هسته‌ای ایران حفظ شده بود. ظاهراً افزایش بودجه سازمان انرژی اتمی ایران از ۳۱ میلیون دلار تا ۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۶ بی‌دلیل نبوده است. از اسناد محرمانه اخیر آمریکایی‌ها چنین استنباط می‌شود که مقامات رسمی ایالات متحده آمریکا از تلاش ایران به منظور دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای نگران بوده‌اند. طبق اطلاعات موجود در آن زمان شاه ایران دستیابی به چنین فن‌آوری‌ها و قدرت تولید طی ۱۸ ماه به منظور توانایی رویارویی با تهدیدهای نظامی - استراتژیک را در نظر داشته است.

برنامه هسته‌ای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبران این کشور فوراً اجرای برنامه هسته‌ای را متوقف کردند و این منجر به خروج متخصصان هسته‌ای بسیاری از کشور شد. با گذشت حدود یک دهه از جنگ ایران با عراق، به سرعت نیاز به برنامه هسته‌ای نظامی ثابت شد. هم‌چنین شکست عملیات نظامی آمریکا در طبرس، مهم‌ترین عامل بازنگری سیاست جمهوری اسلامی ایران در حوزه هسته‌ای بود. نتیجه این بازنگری، تلاش برای به دست آوردن فن‌آوری‌های هسته‌ای لازم بود که با خرید فن‌آوری‌های محرمانه غنی‌سازی اورانیوم و بازگشت متخصصان هسته‌ای به کشور محقق شد. افزون بر آن، آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان و هند در سال ۱۹۹۸ یکی دیگر از استدلال‌های مهم برای در اختیار داشتن پایگاه علمی - فنی مربوطه بود.

برنامه هسته‌ای محرمانه ایران و تلاش به منظور حل بحران موجود

در واقع این عوامل در تحقق طرح‌های محرمانه برای به دست آوردن پیش‌نیازهای علمی - فنی برای ساخت سلاح هسته‌ای در ایران (دست کم تا سال ۲۰۰۳) تأثیر بسیار مهمی داشتند. پس از این که این حقیقت در جامعه جهانی مطرح شد و شواهد وجود بازار سیاه فن‌آوری هسته‌ای که توسط پدر بمب هسته‌ای پاکستان، عبدالغدیر خان شکل گرفته بود، برنامه هسته‌ای ایران یکی از نقش‌های کانونی در سیاست جهانی را به دست آورد.

گفتنی است، تا هنگام پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، امید به حل بحران درست شده وجود داشت. به این ترتیب در طی سال ۲۰۰۴ گفت‌وگوهای فشرده جمهوری اسلامی ایران با «گروه ۳» (بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان) با هدف توافق تهران در توقف فعالیت‌هایش در حوزه غنی‌سازی هسته‌ای در کارخانه نطنز و توقف تولید هگزافلورید اورانیوم در اصفهان انجام شد که طی آن در پایان سال ۲۰۰۴ طرف ایرانی توافق کرد «به صورت داوطلبانه» توقف غنی‌سازی اورانیوم در ازای بسته پیشنهادی شامل حل مشکلات «پرونده هسته‌ای ایران» در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اعلام کند. در این زمینه نمایندگان رسمی جمهوری اسلامی ایران خاطر نشان کردند که در صورت اجرای تعهدات اتحادیه اروپا در زمینه دستیابی به توافق در مورد برنامه هسته‌ای ایران، توقف طرح از پایان ماه نوامبر انجام خواهد شد.

اما براساس گفته‌های تهران، «گروه ۳» با نقض توافقات به دست آمده، به درخواست‌های تازه از ایران ادامه داد. با این حال تا اواسط سال ۲۰۰۵ رهبر ایران با متوقف کردن طرح به حل وضعیت ایجاد شده امیدوار بود. به‌طور خاص این موضع از جانب رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران، محمد خاتمی پشتیبانی می‌شد.

در آن هنگام، بیشتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران (۲۰۰ تن از میان ۲۹۰ تن) از روند گفت‌وگوها ناراضی بودند و نامه‌ای به رئیس‌جمهور فرستادند که در آن عدم موافقتشان با تصمیم تعیین زمان توقف را اعلام کرده و خواستار شروع مجدد غنی‌سازی اورانیوم و ادامه گسترش فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای شدند.

در حقیقت بسیاری از کارشناسان، آگوست ۲۰۰۵ را نقطه عطفی در گسترش برنامه هسته‌ای ایران در نظر می‌گیرند. به خصوص ۴ آگوست حسن روحانی دبیر شورای عالی

امنیت ملی ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران به از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در چارچوب گفت‌وگوها با اتحادیه اروپا علاقمند است. تهران از آمادگی از سرگیری فعالیت‌های تولید هگزا فلورید اورانیوم در اصفهان خبر داد و پس از فرستادن بیانیه رسمی خود به آژانس خاطر نشان کرد، از سرگیری کار مرکز هسته‌ای اصفهان نقض توقف طرح نیست، زیرا غنی‌سازی عملی اورانیوم در آن مرکز انجام نمی‌شود. تا چندی پیش در تهران پس از این که با انتقال «پرونده هسته‌ای ایران» به سازمان ملل متحد با اجازه تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای حکام آژانس موافقت نشد، امید به این که «گروه ۳» در کوتاه‌ترین زمان «طرح سازش» برای ادامه حل وضعیت را ارائه می‌دهد، وجود داشت. بیانیه روحانی که در آن عملکرد مشابه، مانند تهدید غیرقابل قبول از جانب اتحادیه اروپا در قبال ایران، که مغایر توافقات صورت گرفته در پاریس و ژنو بود، تائید غیرمستقیم این امر است. قابل توجه است که طرف ایرانی تا پایان اکتبر سال ۲۰۰۶ اجازه توقف طرح غنی‌سازی اورانیوم را صادر کرد. در این خصوص مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران خاطر نشان کردند، «توقف طرح» نتیجه گفت‌وگوها است. در آن هنگام، غرب به توقف طرح در شرایط مقدماتی برای آغاز گفت‌وگوها نیاز داشت که به نظر طرف ایرانی غیرقابل قبول بود. اما آنچه به نظر می‌رسد این است که در آن زمان رهبر ایران در زمینه افزایش تلاش‌ها برای دستیابی به پیش‌نیازهای علمی - فنی ساخت سلاح هسته‌ای تصمیم گرفت. تلاش‌ها باید با از سرگیری برنامه گسترش انرژی هسته‌ای شاه و «حق جمهوری اسلامی ایران در داشتن انرژی اتمی صلح‌آمیز» توجیح می‌شود. تهران با سرعت قابل ملاحظه‌ای ساخت امکانات غنی‌سازی اورانیوم (در مرحله اول در نطنز)، تولید هگزا فلورید اورانیوم (UF6) در اصفهان، آب سنگین و راکتور تحقیقاتی آب سنگین IR-40 با «سلول‌های داغ» که امکان تفکیک پلوتونیوم از سوخت هسته‌ای ضایعاتی را فراهم می‌کرد (اراک)، آغاز کرد. افزایش توان غنی‌سازی اورانیوم در کارخانه نطنز نیز با افزایش شمار سانتریفیوژها و همچنین با از رده خارج کردن و نصب سانتریفیوژهای جدید با توان تولید بالاتر مورد توجه ویژه قرار گرفت. همزمان، تهران تلاش‌هایی (نه چندان موفقیت‌آمیز) برای تسریع ساخت راکتور اراک که پس از بهره‌برداری امکان تولید پلوتونیوم با کیفیت تسلیحاتی را داشت، انجام داد.

همه تلاش‌های جامعه جهانی به منظور حل بحران ایجاد شده - از راه گفت‌وگوهای دوجانبه به شکل «۱+۵» - طی حدود ده سال بیهوده بوده است. قطعنامه‌های مکرر شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های یک و چندجانبه به نتیجه مطلوب نرسیده است. افزون بر آن، در سال ۲۰۰۹ تلاش برای ساخت دومین کارخانه غنی‌سازی اورانیوم در فوردو، که در عمق زمین قرار دارد، اعلام شد. این واقعیت توسط بسیاری از کارشناسان (در درجه اول کارشناسان غربی) به‌عنوان گواهی بر نیت جمهوری اسلامی ایران به منظور حداقل خطر در برابر حملات هوایی موشکی احتمالی به تأسیسات هسته‌ای که قادر به تولید اورانیوم تسلیحاتی است، ارزیابی می‌شود. بسیاری از کارشناسان، غنی‌سازی اورانیوم در کارخانه فوردو با درجه خلوص ۲۰٪ را تأیید تلاش‌های هسته‌ای ایران می‌دانند.

تحریم به منزله روش «حل» بحران

غرب به رهبری ایالت متحده آمریکا، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار فشار بر تهران، استراتژی تشدید تحریم‌ها را برگزید که هم در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و هم به شکل یک یا چند سویه از سوی اتحادیه اروپا محقق شده است. تاکنون کارشناسان درباره این که تحریم‌ها به‌طور نسبی تا چه میزان ابزار تأثیرگذاری بر کاهش برنامه هسته‌ای ایران بوده‌اند، به دیدگاه مشترکی نرسیده‌اند. اگر این واقعیت در نظر گرفته شود که در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران به شمار قابل ملاحظه‌ای ساترفیوژ با کیفیت بهتر و فن‌آوری تولید آب سنگین دست یافته، درجه خلوص هگزافلورید اورانیوم (محصول فرایند غنی‌سازی) را افزایش داده و نقش مهمی در فرایند ساخت راکتور IR-40 داشته، می‌توان نتیجه گرفت تأثیر این تحریم‌ها بسیار ناچیز است. اما نباید نادیده گرفت که تحریم‌ها بر اقتصاد کشور تأثیر منفی جدی داشته و منجر به تنش‌های اجتماعی شده است. افزون بر آن، احتمال تلاش‌ها به منظور حل مشکلات هسته‌ای ایران با روش زور افزایش یافته است.

تغییر سیاست هسته‌ای ایران در شرایط جدید و دستیابی به گفت‌وگوهای ژنو

در این رابطه تصمیم رهبر جمهوری اسلامی ایران در کاهش تنش‌ها منطقی به نظر می‌رسد. به همین دلیل حسن روحانی پس از پیروزی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ژوئن

۲۰۱۳، تصمیم خود مبنی بر بازنگری برنامه هسته‌ای ایران را اعلام کرد و این کاملاً قابل درک است.

بدون تردید گسترش این موضوع با منافع دستگاه باراک اوباما همخوانی دارد، زیرا عادی شدن رابطه با تهران منجر به تحکیم جایگاه آمریکا در منطقه و افزایش نمایندگان حزب دموکرات پس از انتخابات میان دوره‌ای در کنگره ایالت متحده آمریکا در نوامبر ۲۰۱۴ خواهد شد. مسلماً موفقیت در دو دوره گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱ در ژنو در اکتبر و نوامبر ۲۰۱۳ که به صورت طرح مشترک «نقشه راه» ارائه و انتخاب شد، نتیجه موارد بالا بوده است.

برای ارزیابی دقیق چشم‌انداز بهبود وضعیت موجود، به نظر می‌رسد باید به صورت هدفمند محتوای توافقات به دست آمده در ژنو را بررسی کرد.

اساس گفت‌وگوها بر اصل «تا هنگامی که همه مشکلات موجود حل نشده، هیچ چیز حل نمی‌شود» استوار است. هم‌چنین راه‌حل‌های جامع برای برنامه هسته‌ای ایران تنها در صورت اجرای همه تعهدات بین‌المللی مطابق با مفاد NPT و تحت کنترل کامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی تهران میسر خواهد بود که بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید دارد. در این رابطه تأکید شده است که روند کاهش تنش‌ها حالت گام به گام دارد و در نهایت به لغو تحریم‌های ضد ایرانی هم از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و هم تحریم‌های یک یا چند جانبه منجر خواهد شد.

در این زمینه، «نخستین گام» از اهمیت به سزایی برخوردار است. این دوره شامل شش ماه است که طی آن دو طرف (و در نوبت نخست ایران) باید برخی موارد را اجرا کنند. ایران متعهد می‌شود:

- نیمی از اورانیوم تولید شده با درجه خلوص ۲۰٪ به شکل اکسید به منظور استفاده از آن به شکل سوخت در راکتور تحقیقاتی تهران (TRR) را منتقل کند. نیم دیگر این اورانیوم (UF6) تا درجه خلوص حداکثر ۵٪ رقیق شود؛
- طی مدت گفته شده، غنی‌سازی با درجه خلوص بیش از ۵٪ صورت نگیرد؛
- طی مدت گفته شده، UF6 برای غنی‌سازی در سانتریفیوژهای کارخانه نطنز که پیشتر مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، منتقل نشود. هم‌چنین در این کارخانه نباید

سانتریفیوژهای دیگری نصب شود. در این رابطه امکان تعویض قطعات سانتریفیوژ (از همان مدل)، تنها در صورت عدم افزایش شمار کلی، پیش‌بینی شده است؛
 - غنی‌سازی اورانیوم با درجه خلوص بیش از ۵٪ طی چهار آبشار هسته‌ای که عملکرد فعلی مجموعه را تغییر نمی‌دهد، در کارخانه فوردو انجام نشود. UF6 در بقیه ۱۲ آبشار هسته‌ای باقی مانده در چرخه غنی‌سازی در سانتریفیوژ که نصب شده اما غیرفعال است، منتقل نشود. افزون بر آن، ایران حق اتصال این آبشارها را ندارد اما می‌تواند قطعات سانتریفیوژها (از همان مدل) را، تنها در صورت عدم افزایش شمار کلی، تعویض کند؛

- طی مدت شش ماه وارد ساختار راکتور اراک نشوند، سوخت یا آب سنگین وارد آن نشود، آزمایش سوخت تکمیلی برای IR-40 صورت نگیرد، تولید نشود و هم‌چنین اجزای باقیمانده از راکتور نصب نشود؛

- پس از این که خط تبدیل اورانیوم با درجه خلوص ۵٪ به شکل اکسید اورانیوم (DO2) آماده شد، انتقال مجدد اورانیوم ذخیره شده با درجه خلوص ۵٪ به شکل اکسید آغاز شود و اطلاعات مربوط به تولید آن به آژانس ارائه شود؛

- محصولات جدید غنی‌کننده اورانیوم ساخته نشود؛

- بازتولید سوخت هسته‌ای یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازتولید را دارند، انجام نشود. ایران حق ادامه تحقیقات خود در زمینه هسته‌ای که زیر نظر آژانس خواهد بود و شامل گسترش غنی‌سازی اورانیوم بدون انباشت آن است را دارد. هم‌چنین گفتنی است که حق ادامه مطالعه و بررسی سانتریفیوژهای تازه برای ایران محفوظ است. هم‌چنین طی شش ماه نخست، تکمیل سیستم مانیتورینگ فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد. در این زمینه، مجموعه اقدامات زیر پیش‌بینی خواهد شد:

۱- ایران متعهد می‌شود اطلاعاتی در زمینه طرح ساخت تأسیسات مربوطه، هر بخش از تأسیسات هسته‌ای مربوطه، توصیف ویژگی و مقیاس کارهای انجام شده هر کدام از تأسیسات، اطلاعاتی در مورد معادن اورانیوم و منابعی که خاصیت هسته‌ای دارند را به آژانس ارائه نماید. همه این شواهد طی سه ماه باید به آژانس تحویل داده شوند.

- ۲- اطلاعات تکمیلی و باقیمانده در مورد راکتور اراک به آژانس ارائه شود.
 - ۳- تحقق گام‌هایی (با موافقت آژانس) مربوط به اقدامات امنیتی راکتور IR-40.
 - ۴- فراهم کردن امکان دسترسی روزانه بازرسان آژانس به کارخانه‌های نظنر و فوردو به صورت امکان بازرسی ناگهانی به منظور به دست آوردن اطلاعات ضروری.
 - ۵- بازرسان آژانس هم‌چنین باید امکان دسترسی به مانیتورینگ تعویض سانتریفیوژهای معیوب در تأسیسات در حال کار در فرایند تولید و ذخیره‌سازی سانتریفیوژ در معادن اورانیوم و کارخانه‌های تولید اورانیوم غلیظ را داشته باشند.
- گروه «۵+۱» نیز به نوبه خود گام‌های زیر را بر خواهد داشت:
- محدودیت‌های صادرات نفت خام تهران را لغو خواهد کرد و خریداران نفت ایران می‌توانند به میزان معمول نفت خریداری کنند؛
 - هم‌چنین پرداخت‌هایی که بابت فروش نفت در بانک‌های خارج از کشور بلوکه شده است به ایران بازگردانده می‌شود؛
 - اعمال تحریم‌های ایالت متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به ترتیب زیر متوقف خواهد شد:
 - ۱- خدمات ترابری و بیمه مربوط به واردات نفت از ایران به میزان گفته شده؛
 - ۲- صادرات محصولات پتروشیمی از ایران و خدمات مربوط به آن؛
 - ۳- صدور مجوز عرضه و مونتاژ قطعات یدکی برای خدمات ترابری هوایی ایران و خدمات مربوط به آن (در این رابطه تولیدکنندگان آمریکایی و اروپایی حق بازرسی استفاده نهایی از کالاهای عرضه شده را دارند).
- افزون بر آن، شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، دولت و کنگره آمریکا تحریم‌های تازه‌ای در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اعمال نخواهند کرد.
- این توافق‌نامه هم‌چنین ایجاد ابزارهای مالی ویژه که امکان استفاده تهران از دارایی‌های بلوکه شده خود با اهداف بشردوستانه و در راستای منافع شهروندانش شامل، خدمات پزشکی از جمله درمان بیمارانش در خارج از کشور را فراهم می‌آورد، می‌پذیرد. بدین منظور بانک‌هایی معین خواهند شد که مبادلات ارزی مربوطه را انجام خواهند داد. در این زمینه، منظور از مبادلات، کمک ایران به سازمان ملل متحد و پرداخت مستقیم هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی در خارج از کشور براساس مقدار مشخص شده طی مدت ۶ ماه

(حدود ۴۰۰ میلیون دلار) است. هم‌چنین افزایش میزان مبادلات در حوزه تجارت با اتحادیه اروپا (که شامل تحریم‌ها نبوده) تا میزان مورد توافق صورت خواهد گرفت.

در حال حاضر فهرست کاملی از مواردی که در توافق نامه به منظور یک راه‌حل جامع مشکلات هسته‌ای ایران باشد، وجود ندارد اما طرفین توافق کرده‌اند که این اسناد باید طی مدت یک سال از آغاز اجرای قرارداد «طرح مشترک همکاری» آماده شوند.

برخی نکات توافق نامه بسته شده قابل توجه است:

- ایران حق دارد برنامه غنی‌سازی اورانیوم مطابق پارامترهای توافق شده و براساس نیازهای عملی تأمین سوخت راکتورهای هسته‌ای آتی را دنبال کند؛

- ایران حق دارد بازتولید سوخت هسته‌ای (راکتور IR-40) یا ساخت تأسیساتی که قادر

به فرایند بازتولید باشند را عملی کند؛

- در توافق نامه، گسترش اقدامات جامع و تازه مانتورینگ فعالیت‌های هسته‌ای که

حاکمی از تصویب و اجرای پروتکل الحاقی است، در نظر گرفته شده است؛

- در توافق نامه، همکاری بین‌المللی در حوزه استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای شامل،

تحویل راکتورهای انرژی آب سبک مدرن، راکتورهای تحقیقاتی، تجهیزات مرتبط و همچنین عرضه سوخت هسته‌ای و فعالیت‌های مربوطه در حوزه تحقیق و توسعه، آورده شده است.

براساس موارد گفته شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بستن توافق نامه در مجموع با

منافع ایران همخوانی دارد. تهران حق خود در انرژی اتمی صلح‌آمیز را گرفت. در کشور (حتی در مقیاس کم) برنامه غنی‌سازی اورانیوم ادامه دارد. هم‌چنین تهران امکان ادامه کار سانتریفیوژهای تازه و تولیدکننده را دارد، اگرچه میزان تولید و نصب نیازمند مذاکرات آتی است.

گفتنی است، توقف تولید اورانیوم با درجه خلوص ۲۰٪ اصولاً تأثیری بر امکان (در صورت ضرورت) آغاز تولید اورانیوم غنی شده با کیفیت تسلیحاتی را ندارد. ذخایر موجود از این نوع اورانیوم، به منظور تأمین سوخت راکتور تحقیقاتی تهران کافی است. تعلیق ساخت راکتور آب سنگین اراک به معنای این نیست که تهران از در اختیار داشتن پتانسیل تولید پلوتونیوم تسلیحاتی دست کشیده است. پس از دوره شش ماهه، رهبر ایران

ممکن است دوباره نیت خود مبنی بر قطع این روند را اعلام کند، اگرچه «تحت کنترل شدید آژانس هستند».

آنچه به ذهن می‌رسد، حداقل توافق نسبی برای جمهوری اسلامی ایران، نیاز به تحقق ضمانت جامع آژانس است. اما به عقیده ما، در حال حاضر تهران تسریع ظرفیت توانایی هسته‌ای خود را که ناگزیر همگام با افزایش تنش‌ها خواهد بود، ضروری نمی‌بیند. این کشور در جهت حفظ پیش‌نیازهای علمی - فنی ساخت سلاح هسته‌ای و در آینده تقویت آنها تلاش می‌کند.

گفتنی است، توافق تهران با اجرای طرح بازرسی سرزده بازرسان آژانس یکی از مسائل جدی است که اجازه آن به میزان زیادی بر سرنوشت توافق بسته شده در ژنو تأثیر دارد. در این زمینه، در بیانیه ۱۴ نوامبر ۲۰۱۳ آژانس، گفته شده که این موضوع در گفت‌وگوهای میان آژانس و جمهوری اسلامی ایران به نتیجه قطعی نرسیده است.

در همان هنگام پس از امضای توافق‌نامه مربوطه در نوامبر، طرفین توافق کرده‌اند گفت‌وگوها را براساس رهیافت جدید پیش ببرند. در این رابطه جمهوری اسلامی ایران و آژانس فوراً پس از دستیابی به توافقات در ژنو درباره تلاش برای تحقق همکاری‌های شفاف توافق کردند و طرف ایرانی متعهد شد ظرف سه ماه اطلاعات مهم مربوط به تأسیسات هسته‌ای را در اختیار آژانس بگذارد. اما این بدان معنا نیست که تهران در کوتاه‌ترین زمان، اطلاعات جامعی درباره فعالیت‌های گذشته خود در حوزه استفاده انرژی هسته‌ای در حوزه نظامی را به آژانس تحویل می‌دهد.

به نظر می‌رسد دسترسی فوری به مجموعه تأسیسات و متخصصانی که در این فعالیت‌ها مشغول بوده‌اند، بسیار دشوار است. براساس ارزیابی متخصصان (در درجه اول متخصصان روسی)، ایران اکنون در شرایط تولید مقدار مورد نیاز از مواد هسته‌ای با درجه تسلیحاتی و ساخت سازه‌های هسته‌ای قابل انفجار از آنها طی مدت ۱۸ ماه نیست.

در حال حاضر نباید با اطمینان کامل تأکید کرد که توافقات به دست آمده در مدت گفته شده عملی خواهد شد. ممکن است ارتباط بسیار منفی اسرائیل، عربستان سعودی و برخی از کشورهای عربی منطقه در مورد این توافق‌نامه، جلوی اجرای آن را بگیرد. با در نظر گرفتن تأثیر لابی‌های سعودی و اسرائیلی کنگره آمریکا، انتظار مقاومت بسیار

سرسختانه در برابر دولت اواما به منظور کاهش تنش‌ها تا تصویب تحریم‌های تازه ضد ایرانی از سوی بخش قابل ملاحظه‌ای از قانون‌گذاران آمریکایی وجود دارد. در این رابطه نتایج انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا در پاییز ۲۰۱۴ را می‌توان شاخص بسیار مهمی تلقی کرد.

ارتباط با توافقات حاصل شده در ایران کمتر قابل توجه است. در این خصوص، باهماد آغای دیبای، متخصص حقوق بین‌الملل بر کافی نبودن میزان شفافیت حقوقی قرارداد بسته شده اشاره می‌کند. اگر این توافق‌نامه براساس قراردادهای بین‌المللی است، پس باید در مجلس ایران تأیید شود. در واقع این شرایط ممکن است در مرحله‌ای خاص به‌عنوان مانعی برای تحقق توافقات به‌صورت کامل باشد. در حقیقت نویسنده به این موضوع اشاره می‌کند که نیروهای محافظه‌کار در مجلس (به اشاره رهبر کشور) سیاست روحانی در حوزه هسته‌ای را با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران متناقض می‌بینند. و این احتمال نباید نادیده گرفته شود.

افزون بر آن، باید در نظر داشته باشیم که در نیم‌سال آینده احتمال لغو بسیاری از تحریم‌های خفه‌کننده (در درجه نخست - در زمینه ممنوعیت یک سری از معاملات مالی) از سوی ایالت متحده آمریکا بسیار ضعیف است. براساس برخی ارزیابی‌ها، با اجرای توافقات حاصله ۶-۷ میلیارد دلار به ایران برمی‌گردد که از این بین ۴،۲ میلیارد دلار درآمد حاصل از فروش نفت است که در بانک‌های خارجی بلوکه شده است. به نظر می‌رسد تنها یکی از این ابزارهای مالی نمی‌تواند نیازهای تهران را برآورده و آن را مجبور به پذیرش محدودیت‌های آتی در برنامه هسته‌ای اش کند. بسیار دشوار است که بدون لغو بیشتر تحریم‌های خفه‌کننده از رهبر ایران انتظار داشت تا به سیاست‌های عملگرایانه نزدیکی با غرب و در درجه نخست در حوزه هسته‌ای ادامه دهد.

چشم‌انداز همکاری ایران با روسیه و غرب در حوزه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای

اگر بخواهیم چشم‌انداز همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با روسیه و غرب در حوزه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را ارزیابی کنیم، باید امکانات عینی و نیازهای ایران در

گسترش برنامه هسته‌ای در آینده را در نظر داشته باشیم. در واقع محدودیت‌های توافق شده در زمینه توان تولید اورانیوم غنی شده، میزان صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای را معین می‌کند. به باور کارشناسان، شمار بالقوه واحدهای تولید انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با عوامل زیر محدود می‌شود:

- محدودیت منابع آب شیرین؛
- زلزله‌خیز بودن بیشتر نواحی کشور؛
- محدودیت ذخایر اورانیوم؛
- توسعه ناکافی زیرساخت‌های ترابری که انتقال سازه‌های سنگین (بیش از ده‌ها تن) و پیچیده راکتورها را دشوار می‌کند.

هم‌چنین لازم است قدیمی و از رده خارج شدن بخش قابل توجهی از شبکه الکتروانرژی با ولتاژ بالا که نوسازی آن نیازمند سرمایه‌گذاری کلان است را نیز در نظر داشته باشیم.

براساس موارد گفته شده، کارشناسان ۳-۲ سایت را برای ساخت نیروگاه هسته‌ای معرفی می‌کنند که پتانسیل ایران را تا ۱۰-۸ واحد انرژی محدود می‌کند. در واقع این شاخص به‌عنوان اصلی‌ترین عامل محدودیت توان ایران در غنی‌سازی اورانیوم و دلیل توافقات آتی برای اجازه فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در این زمینه شده است.

هم‌چنین لازم است این شرایط را در نظر داشته باشیم که ذخایر اورانیوم تأیید و بررسی شده در کشور برای تأمین سوخت شمار واحدهای هسته‌ای اشاره شده ناکافی است و هم‌چنین واردات سنگ معدن اورانیوم از خارج از کشور تنها پس از حل مشکلات هسته‌ای ایران مقدور است که این امر در اسرع وقت میسر نمی‌شود و نیازمند گفت‌وگوهای دشواری است.

اگر چشم‌انداز آتی امکان همکاری روسیه با ایران در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای را بررسی کنیم، باید اعتراف کرد که بدون لغو اکثر تحریم‌های خفه‌کننده (به خصوص در حوزه مبادلات مالی) این همکاری‌ها در مقیاس کلان محقق نخواهد شد. حتی اگر تهران ابزارهای ارزی لازم را داشته باشد، پرداخت آنها به تأمین‌کنندگان از راه «بردن با چمدان» خیلی دشوار به نظر می‌رسد.

هم‌چنین باید این شرایط را نیز در نظر داشت که در ساخت نیروگاه اتمی و عرضه تجهیزات تکمیلی، شرکت‌هایی از کشورهای گوناگون (پیمانکاران فرعی) فعال خواهند بود که برای آنها شفافیت حقوقی مسائل واگذاری خدمات بسیار مهم و در اکثریت قریب به اتفاق تعیین‌کننده است.

افزون بر آن، حل و فصل وضعیت برنامه هسته‌ای ایران تنها در روند گفت‌وگوهای طولانی و دشوار ممکن است و البته ضمانتی برای حل و فصل آن وجود ندارد. به عقیده ما، نباید انتظار داشت که پس از حل و فصل نهایی وضعیت برنامه هسته‌ای ایران، روسیه بتواند به راحتی نقش تأمین‌کننده اصلی تجهیزات انرژی هسته‌ای ایران را بازی کند. تولیدکنندگان روسی در بازار ایران با رقابت سنگین شرکت‌های فرانسوی، کره جنوبی، ژاپنی و آمریکایی روبرو می‌شوند. به احتمال بسیار زیاد این رقابت غیرمنصفانه است و با پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌های یاد شده انجام می‌شود.

* * * *

به‌طور خلاصه می‌توان گفت توافقات حاصله در ژنو با منافع ملی روسیه هم‌خوانی دارد و با تقویت جایگاه روسیه در منطقه، از امکان تحکیم همکاری‌های میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه حکایت می‌کند. اما به منظور تحقق آن، بکارگیری یک استراتژی بلندمدت همکاری متقابل با طرف ایرانی براساس همه‌جوانب روابط بین دو دولت و با در نظر داشتن منافع ملی روسیه، ویژگی‌های ذهنی ایرانی و توسعه شرایط نظامی - سیاسی و استراتژیک در سطح منطقه‌ای و جهانی، لازم است.

منابع

- Bahman Aghai Diba. What is the Iran-5+1 «Accord»?URL: <http://www.payvand.com/news/13/nov/1244.html>
- IAEA, Iran Sign Joint Statement on Framework for Cooperation. URL: <http://www.iaea.org/newscenter/pressreleases/2013/prn201321.html>
- Joint Plan of Action. Geneva, 24 November 2013. URL: <http://www.edition.cnn.com/2013/11/24/world/meast/iran-deal-text>
- Joint Plan of Action. Geneva, 24 November 2013. URL: <http://www.edition.cnn.com/2013/11/24/world/meast/iran-deal-text>
- Misztal B. Accommodation by any other name: Iran's «Framework for Cooperation» with the IAEA. Bipartisan Policy center. November 19, 2013.
- Rowberry A. Op. cit.
- Rowberry A. Sixty Years of «Atom for Peace» and Iran's Nuclear Program.
- U.S.—Iran Nuclear Negotiations in 1970s Featured Shah's Nationalism and U.S. Weapons Worries /Ed. W. Burr. January 13, 2009. URL: <http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/nukevault/ebb268>
- URL: <http://www.brookings.edu/blogs/up-front/posts/2013/12/18-sixty-years-atoms-for-peace-iran-nuclear-program-rowberry>
- URL: http://www.isis-online.org/uploads/isis-reports/documents/IAEA_Iran_Safeguard_Report_14_Nov2013.pdf
- URL:<http://www.bipartisanpolice.org/blog/2013/11/19/accommodation-any-other-name-iran%E2%80%99s-%E2%80%9Cframework-cooperation%E2%80%9d-iaea>
- URL:http://www.iran.ru/news/politics/32188/Iran_ne_budet_narushat_vremennyi_moratoriy_na_obogashchenie_urana
- Бахмад Агай Дибай имеет ученую степень в области международного права. Он на протяжении 14 лет работал в Министерстве иностранных дел Ирана. Автор нескольких книг и множества статей по Ирану.
- Женева: Прорыв в новую реальность. URL: http://www.iran.ru/news/analytics/91425/Zheneva_Proryv_v_novuyu_realnost
- Иран не будет нарушать временный мораторий на обогащение урана.

سیاست منطقه‌ای ایران و منافع روسیه

نویسنده: اس.و. دمیدنکو

در سال‌های اخیر ایران در سیاست خارجی منطقه‌ای چند موضع خاص از خود نشان داد. عقب‌نشینی آشکار تهران با افزایش نفوذ عربستان سعودی - مخالف اصلی جمهوری اسلامی ایران که به دنبال بحران بزرگ «بهار عربی» شکل گرفت و عربستان عملاً رهبر همه جهان عرب شد، همراه بود. اکنون دستگاه دولتی مصر با دریافت ۵ میلیارد دلار کمک مالی زیر نفوذ ریاض قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری‌های عربستان در اقتصاد اردن نقش قابل توجهی را بازی می‌کنند و تا حد زیادی در میان قبایل یمنی از نفوذ برخوردار است. نفوذ پادشاهی عربستان در لیبی، تونس و لبنان هم بیشتر می‌شود.

فعالیت سیاست خارجی ایران در عراق، لبنان و آسیای مرکزی پایین بوده است. عملاً هیچ فعالیتی از سوی تهران در قفقاز انجام نگرفته است. این شرایط در وهله اول به خاطر آن است که برنامه‌های اصلی دیپلماسی ایران پس از تغییر رییس‌جمهور در تابستان سال ۲۰۱۳، در جهت دستیابی به پیروزی در بردار جهانی و برداشتن کامل تحریم‌های بین‌المللی و یا دست کم تضعیف فشارها بر اقتصاد ایران بوده است (تا ۵ میلیارد دلار ماهانه ضرر)، بدون احتساب فقدان سرمایه‌گذاری که باعث شد در پاییز سال ۲۰۱۳ شرکت ملی گاز ایران اعلام ورشکستگی کند.

شرایط سوریه به‌طور جدی موقعیت ایران را در منطقه تضعیف می‌کند: متحد اصلی تهران در خاورمیانه در این دو سال عملاً در مرز نابودی قرار داشته است. به همین خاطر برنامه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران طی این دو سال در اولویت بوده است.

تهران با استفاده از همه امکانات خود، چه دیپلماتیک، چه نظامی - سیاسی و حتی مالی، از رژیم بشار اسد پشتیبانی می‌کند. در ماه مه ۲۰۱۳ مقامات ایران تلاش داشتند بلوک طرفدار اسد تشکیل بدهند که بتواند مورد حمایت «گروه دوستان سوریه» در ریاض و

دوحه باشد. کنفرانس «دوستان سوریه» روز ۲۹ مه در تهران تشکیل شد، اما بازتاب جدی در سطح بین‌الملل نداشت. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران تلاش داشت مانع از تشدید فشار نظامی آمریکا و متحدینش بر دمشق بشود. در دوره بحران سوریه از سپتامبر ۲۰۱۳ مقامات ایرانی یک سری رایزنی‌هایی با هدف آگاهی‌رسانی به جامعه جهانی درباره پیامدهای تخریب‌کننده حمله به سوریه در خاورمیانه برگزار کردند. مقامات بلند پایه ایران (آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور روحانی، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران) در سخنانی رسماً اعلام کردند که حمله شیمیایی به منطقه غوطه شرقی از سوی نیروهای اپوزیسیون برای تحریک نیروهای دولت دمشق بوده است.

تا بهار ۲۰۱۳ ایران تلاش داشت دمشق را راضی به آغاز گفت‌وگوها با رهبر ائتلاف ملی نیروهای اپوزیسیون و انقلاب سوریه کند. آن زمان مُعز الخطیب رهبر این نیروها خواهان گفت‌وگوی رسمی با مقامات دولتی بود. با این حال پس از تغییر رهبر این گروه و روی کار آمدن احمد جربی نیروی طرفدار عربستان سعودی، تلاش‌های صلح‌طلبانه ایران به نتیجه نرسید. نباید نادیده گرفت که تغییر رهبری نیروهای ائتلافی دقیقاً به خاطر تلاش‌های ایران برای نفوذ در این سازمان بود که اکنون سیاست‌های این سازمان کاملاً پیرو عربستان سعودی شده است.

کمک‌های نظامی ایران به دمشق به صورت مرتب بود، اگرچه در سخنان رسمی گفته می‌شود که مقامات سوری از نیروهای نظامی کافی برای مبارزه با شورشیان مسلح برخوردار هستند. آمریکا چندین بار از افزایش کمک‌های نظامی تهران به رژیم بشار اسد اظهار نگرانی کرده و از اردوگاه شورشیان سوری اخباری درباره منهدم کردن هواپیمای حامل سلاح ایران برای سوریه و هم‌چنین حضور افسران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کشته شدن یکی از فرماندهان سپاه پاسداران به نام حسام خوشنویس که توسط مقامات ایران هم تأیید شد) به بیرون درز کرده است. سازمان تجارت خارجی خبر مناقصه برای خرید مواد غذایی با تخصیص اعتبار از سوی ایران را اعلام کرده است (در حدود ۱۵۰ هزار تن قند، ۵۰ هزار تن برنج، ۲۵ هزار تن آرد و...).

به‌طور کلی، فعلاً ایران سرگرم مسأله پشتیبانی از رژیم بشار اسد است. با این حال، نباید تصور کرد که رهبر سوریه تنها به لطف کمک‌های ایران و حزب‌الله لبنان در رأس قدرت

باقی مانده است. دمشق در مبارزه با اپوزیسیون تا حد زیادی روی توان داخلی خود حساب می‌کند و بقای رژیم، توسط ائتلاف نخبگان نظامی علوی و جمعیت سنی مذهب تاجر این کشور پشتیبانی می‌شود.

روابط ایران با دولت‌های قدرتمند عرب همچون عربستان سعودی و قطر را باید از دریچه درگیری‌های سوریه نگاه کرد.

مناسبات ایران با عربستان سعودی در حالت تنش است. برخی تحلیل‌گران بر این باورند که میان تهران و ریاض جنگ پنهانی بر سر کنترل همه منطقه جریان دارد. اختلاف اصلی این دو کشور بر سر مذهب (اختلافات میان سنی و شیعه) است. علاوه بر درگیری سوریه که سعودی‌ها پشتیبان اپوزیسیون هستند، مقامات این کشور برنامه فروش انواع سلاح‌های جدید به شورشیان و جلوگیری از حضور ایران در کنفرانس صلح مانتریو و هم‌چنین تلافی منافع آیت‌الله ایران و شیوخ وهابی سعودی در بحرین را نیز پیش می‌برند. حکومت سنی مذهب این دولت نه چندان بزرگ (بحرین) که بیش از ۷۰ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، دائماً ایران را به پشتیبانی از اپوزیسیون محلی که پیرامون سازمان «الوفاق» و «حزب‌الله بحرین» متحد شده‌اند، متهم می‌کنند. در یک سال گذشته، دولت‌های عضو شورای همکاری کشورهای پیرامون خلیج پارس (این سازمان به‌طور فعال از طرف عربستان سعودی پشتیبانی می‌شود) چندین مرتبه درباره ضرورت قطع دخالت‌های ایران در امور بحرین سخن گفته‌اند.

ایران در لبنان به «ائتلاف هشت مارس» که رهبری آن را «حزب‌الله» برعهده دارد کمک می‌کند و ریاض از «جنبش ۱۴ مارس» (که رهبری آن را قبیله الحریری طرفداران سعودی برعهده دارند) پشتیبانی می‌کند.

تمام سلام نخست وزیر کنونی لبنان به لطف پشتیبانی‌های ائتلاف طرفدار سعودی به این سمت برگزیده شد. گاهی اوقات اختلافات میان سعودی و ایران به «مرحله اوج» می‌رسد و این هنگامی است که شبه نظامیان سنی مذهب با پشتیبانی ریاض اقدامات خرابکارانه علیه دیپلمات‌های ایرانی انجام می‌دهند. یکی از این اقدامات در روز ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳ در بیروت رخ داد که رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قربانی آن شد.

در رابطه با قطر نیز باید گفت که مناسبات ایران با این کشور مدعی قدرت در منطقه

چندان روشن نیست. از یک سو قطر همچون عربستان سعودی از نیروهای ضد اسد پشتیبانی می‌کند. از سوی دیگر مقامات ایران روابط بسیار مثبتی با دولت اسلام‌گرای میانه روی مصر به رهبری محمد مرسی رییس‌جمهور پیشین این کشور شکل داده بودند (مرسی و سازمان اخوان المسلمین از سوی قطر پشتیبانی می‌شدند). ابتدای ماه فوریه ۲۰۱۳ محمود احمدی‌نژاد رییس‌جمهور وقت ایران در نشست سازمان همکاری‌های اسلامی در قاهره حضور یافت و نخستین دیدار مقامات ایرانی در سطح رییس‌جمهور از قاهره پس از سال ۱۹۷۹ انجام شد. (روابط دیپلماتیک میان دو کشور پس از امضای قرارداد صلح میان قاهره و اسرائیل قطع شده بود). احمدی‌نژاد با مرسی گفت‌وگوهایی انجام داد که در آن موضوع حل و فصل بحران داخلی سوریه نیز طرح شد. دو دولت برنامه‌هایی برای از سرگیری مناسبات دیپلماتیک آماده کردند اما کودتای مصر در روز ۳ جولای ۲۰۱۳ و محکوم شدن این اقدام از سوی تهران، مانع از تحقق برنامه‌ها شد. مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران ضمن سخن گفتن درباره مسأله تغییر حکومت در مصر، از ارتش می‌خواستند که به خواست مردم احترام گذاشته و به هر صورتی تأکید می‌کردند که فقط مرسی رییس‌جمهور قانونی و برگزیده کشور است.

تفاوت در رویکرد دو حکومت مصر برای ایجاد ارتباط با ایران است و این به خاطر قالب فکری دولت‌هایی است که در دوحه و ریاض وجود دارد. قبیله آل‌سعود تهران را همچون دشمن ایدئولوژیک و محل شیعیان کافری می‌بیند که باید به هر شکل جلوی گسترش حضورشان در منطقه را گرفت. قطر رویکرد عملگرایانه‌تری دارد که بر مبنای منافع اقتصادی و مصلحت سیاسی اتخاذ شده است. می‌دانیم که قطر قصد دارد در آینده نزدیک واردات گاز طبیعی از ایران را آغاز کند، زیرا مشکلات خاصی در رابطه با افزایش تقاضای داخلی در این کشور دارای انرژی بروز کرده است. افزون بر این، ایران یکی از اصلی‌ترین فروشندگان محصولات کشاورزی، غذایی و صنایع سبک و شیمیایی به قطر است. نمی‌توان انکار کرد که قطر ایران را به‌عنوان وزنه مقابل عربستان سعودی می‌بیند که از نظر دوحه یکی از مهم‌ترین مخالفان او در منطقه است.

فعالاً با وجود برخی پیشرفت‌ها، نمی‌توان از احتمال نزدیک شدن تهران و دوحه در آینده حرفی به میان آورد. هنوز اختلاف‌نظرهایی میان دو دولت وجود دارد. این اختلافات

نه تنها در موضوع سوریه که حتی در رابطه با فلسطین به طور روشن نمود پیدا می‌کنند. در سال‌های اخیر، قطر به هر شکلی قصد داشته کنترل بر جنبش ملی فلسطین را در اختیار خود بگیرد. می‌دانیم گروه‌هایی در درون حماس فعال هستند که هم به دوحه گرایش دارند و هم به تهران. افرادی همچون خالد مشعل رهبر سیاسی حماس (از سال ۲۰۱۱ در دوحه زندگی می‌کند) به دوحه گرایش دارد و بنا به ارزیابی برخی کارشناسان، اسماعیل هنیه رهبر گروهی است که به سوی تهران متمایل هستند.

درباره «کشورهای عربی - اعضای شورای همکاری دولت‌های عربی پیرامون خلیج

پارس» باید گفت که آنها به طور کل از سیاست سال‌های ۱۹۸۰ عربستان سعودی در رابطه با تهران پشتیبانی می‌کنند که طبق آن، جمهوری اسلامی ایران تهدید اصلی برای ثبات در منطقه خلیج پارس است. تنها استثناء در اینجا، امارات متحده عربی است. در آغاز سال ۲۰۱۴ امیر دویی و شیخ محمد بن راشد‌المکتوم نخست وزیر این کشور سخن از کم کردن تحریم‌ها علیه ایران را به میان آوردند. برای امارات متحده عربی نیز همچون قطر منفعت اقتصادی نقش اصلی را در تدوین سیاست ایفا می‌کند. ایران از راه دویی که محل زندگی بسیاری از ایرانیان است، تجارت خود را با کشورهای عربی پیش می‌برد.

به نظر می‌رسد که منافع اقتصادی چیزی است که از جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شرایطی پشتیبانی می‌کند که موقعیت ژئوپلیتیک تهران به شدت تضعیف شده است. تریک که یکی از مصرف کنندگان اصلی نفت و گاز ایران است، حتی با وجود تحریم‌ها، به همکاری تجاری - اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهد (ایران ۲۰ تا ۳۰٪ نیاز این جمهوری به گاز را برطرف می‌کند). در همین رابطه ایران نیز تمایل خود را به ارتباط با آنکارا و از جمله ارتباطات سیاسی نشان می‌دهد (حتی با وجود پشتیبانی‌ای که ترکیه از شبه نظامیان سوری می‌کند). ترکیه به طور فعال میانجی شکل‌گیری روابط ایران با گروه «۱+۵» در زمینه برنامه هسته‌ای ایران بوده (یکی از دیدارها اوایل سال ۲۰۱۳ در استانبول برگزار شد) و افزون بر این، آنکارا به نفع حضور ایران در کنفرانس حل و فصل بحران سوریه در مانترئو سخنرانی کرد. به طور کل می‌توان این‌طور پیش‌بینی کرد که مناسبات ایران و ترکیه در آینده نزدیک پویا و استوار بر منافع اقتصادی دوجانبه خواهد بود.

مخالف سرسخت ایران در منطقه، اسرائیل است. تهران و تل آویو به صورت دوره‌ای سخنان تهدیدآمیزی خطاب به هم می‌گویند. با این حال اسرائیل برخلاف عربستان سعودی هیچ تلاشی برای تأثیرگذاری بر وضعیت سوریه ندارد و این موضوع برای تلاش‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مثبت تلقی می‌شود. با سرکار آمدن رییس‌جمهور روحانی و ظریف به‌عنوان وزیر خارجه کشور، سخن از اصلاح ادبیات در سخنان تهران خطاب به دولت یهود به چشم می‌خورد. در ماه سپتامبر ۲۰۱۳ وزیر خارجه ایران و پس از او رییس‌جمهور کشور گفتند که هولوکاست یک جنایت بشری بوده است. ابتدای اکتبر ۲۰۱۳ ریاست جمهوری ایران کنفرانس ضداسرائیلی «افق جدید» که در دوره احمدی‌نژاد برگزار می‌شد را لغو کرد.

به‌طور کل این سری تغییرات در مواضع جمهوری اسلامی ایران را باید به‌عنوان تلاش کلی ایران برای بهبود تصویر خود در صحنه بین‌الملل و تلاش برای کاهش تحریم‌ها تعبیر کرد. این حقیقت گواهی است بر ضعف شدن موقعیت ژئوپلیتیکی تهران در شرایط کنونی. با از دست رفتن بخشی از نفوذ منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران، در یک سال گذشته افغانستان از سیاست‌های ایران بیرون ماند. طی سال ۲۰۱۳ تهران تلاش خود را بر متقاعد ساختن کابل برای امضا نکردن توافق نامه با ایالات متحده آمریکا و موضوع حضور نظامی آمریکا برای پنج سال بعد متمرکز کرده بود. ظاهراً تهران همچنان احساس خطر می‌کند که حتی اگر نیروهای ناتو از افغانستان برای حمله به ایران استفاده نکنند، دست کم می‌توانند اقدامات جدی برای تأثیرگذاری بر ایران و تغییر جایگاه آن در مسایل مهم سیاست‌های جهانی داشته باشند.

همکاری ایران با دولت‌های آسیای مرکزی به‌طور کل در سطحی پایین است. در پایتخت کشورهای آسیای مرکزی با احتیاط نسبت به ایران که این اواخر توان مالی اش آشکارا ضعیف شده برخورد می‌کنند. تنها پیشرفت، در روابط با تاجیکستان بوده است. تهران همچون پیش به این کشور پول می‌فرستد زیرا اقلیت شیعه مذهب را پیش برنده منافع ملی خود می‌داند. از تاجیکستان نیز به ایران برق صادر می‌شود و ایران سرمایه‌گذاری اصلی خود را در همین بخش اقتصادی جمهوری تاجیکستان انجام می‌دهد.

نفوذ ایران در قفقاز جنوبی محدود است. نقطه اتکای ایران در این منطقه ارمنستان است در حالی که گرجستان و آذربایجان محکم به مدار منافع آمریکا چسبیده‌اند و با احتیاط نسبت به همسایه جنوبی خود برخورد می‌کنند. دولت باکو از امکان گسترش نفوذ دینی آیت‌الله‌های ایران در منطقه خود احساس خطر می‌کند (بیش از ۸۰ درصد مردم آذربایجان شیعه هستند)، با این حال آذربایجان نمی‌تواند به طور مطلوب ارتباط میان مردم دو کشور را کنترل کند (مردم ایران و آذربایجان ارتباطات شخصی، خانوادگی و کاری گسترده دارند).

* * * *

به‌طور کل می‌توان گفت که مواضع ایران در منطقه ضعیف شده است. ضرورت حل مشکلات سیاست داخلی در رابطه با رکود اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، فرصت‌های تهران را برای نفوذ در منطقه به شدت کاهش داده است. با این حال در صورت حل و فصل شدن برنامه هسته‌ای با غرب، می‌توان فعال شدن سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را پیش‌بینی کرد. این پیروزی دیپلماتیک می‌تواند به تقویت جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای کمک کند.

روسیه در این رابطه باید به شکل مصلحت‌اندیشانه از ارتباطات با ایران در سطح بالا پشتیبانی کرده و به دنبال گسترش توافقات به دست آمده باشد. در کل موضع روسیه در رابطه با ایران را می‌توان سنجیده و عملگرایانه نامید. مسکو در سیاست خارجه خود در رابطه با ایران از اقدامات تند اجتناب می‌کند، بدون این که ارتباط خود را با غرب خراب کند، سعی در نرم‌تر کردن تحریم‌ها داشته و ارتباط خود را با تهران به لطف دفاع از حقوق ایران در برنامه اتمی صلح‌آمیز (و هم‌چنین پشتیبانی از رژیم بشار اسد) حفظ می‌کند.

مسکو شانس زیادی برای پیوستن به بازار نفت و گاز ایران که در آینده نزدیک برای خارجی‌ها باز می‌شود، نخواهد داشت. امروزه بسیاری از کنسرسیوم‌های انرژی غرب آماده‌اند تا به ایران بیایند و میادین تازه هیدروکربن را گسترش بدهند. چین هم در این جریان خواب نمی‌ماند. روسیه باید همه تلاشش را به کار بگیرد تا از مناسبات خوب خود با تهران برای بستن قراردادهای تجاری پرسودتر بهره بگیرد. ایران به عنوان یک بازار با چشم‌انداز خوب برای کالاهای روسیه مهم است.

ایران به خاطر شرایط تاریخی خود در منطقه، متحد روسیه در مبارزه علیه گسترش

اسلام رادیکال که توسط محافل گوناگون و با نفوذ پیرامون خلیج پارس پشتیبانی می‌شوند، شناخته می‌شود. در این رابطه باید تمرکز را روی دیپلماسی ملی قرار داده و ارتباطات را با سازمان‌های جمهوری اسلامی ایران در این حوزه بیشتر کرد.

در عین حال باید الگوی مناسب‌تزمان را با جمهوری اسلامی ایران مشخص کرده و به خاطر داشته باشیم که تهران عملگراست. موضع مقامات ایران در رابطه با روسیه در صورتی تغییر می‌کند که غرب پیشنهادات بهتری در حوزه سیاسی یا اقتصادی به ایران بدهد.

منابع

- Iran State Gas Company Faces Collapse, Hit by Sanctions // The Wall Street Journal. 18 November 2013. URL: <http://www.online.wsj.com/news/articles/SB10001424052702303755504579206103448476892>
- URL: http://www.delovoiiran.ru/news/show/32870/Hasan_Ruhani_posetit_Tadzhikistan_dlya_usileniya_ekonomicheskogo_sotrudnichestva_dvuh_stran
- URL: <http://www.regnum.ru/news/fd-abroad/east/1681100.html>
- Аташе посольства Ирана скончался из-за теракта у посольства Ирана в Бейруте // Интерфакс. 19 ноября 2013. URL: <http://www.interfax.ru/world/news/341838>
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 16 января 2012 г. 18:16.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 11 октября 2013 г. 15:08.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 13 января 2014 г. 11:01.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 14 февраля 2013 г. 21:59.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 15 января 2013 г. 13:11.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 2 июля 2013 г. 13:04.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 20 января 2014 г. 17:18.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 22 августа 2013 г. 9:49.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 25 декабря 2012 г., 5 марта 2013 г. 16:22.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 26 декабря 2012 г. 22:11.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 27 мая 2013 г. 22:25.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 5 и 6 февраля 2013 года, 16:50 и 18:34, соответственно
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 6 и 25 сентября 2013 г. 11:37 и 7:14 соответственно.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 9 января 2014 г. 19:11.
- ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 13 февраля 2013 г. 13:50.
- Касаев Э. О. Катар в XXI веке: современные тенденции и прогнозы экономического развития. М.: Международные отношения, 2013. С. 125.
- Между Тегераном и Дохой регулярно проводятся прямые консультации относительно ситуации в Сирии. Так, именно сирийская проблематика была в центре переговоров, проведенных 14 мая 2013 года во время визита в Тегеран тогдашнего премьер-министра Катара Хамада БенДжасема. См.: ИНТЕРФАКС, лента «Международные новости». 14 мая 2013 г. 22:23.
- Правда, при условии присоединения Ирана к Женевскому коммюнике.
- Россия будет прирастать Ближним Востоком // WordYou.Ru. 24 декабря 2013. URL: <http://www.wordyou.ru/v-mire/rossiya-budet-prirastat-blizhnim-vostokom.html>
- Сирийская оппозиция делает ставку на саудовское оружие // Регнум. 8 июля 2013.
- Сирия закупит на тендере сахар, рис и муку за счет кредита, предоставленного Ираном // Зерно Он-Лайн. 13 декабря 2013. URL: <http://www.zol.ru/n/18V7A#>
- См., например: Исаев В.А., Филоник А.О. Королевство Бахрейн: опыт развития в условиях ресурсной ориентации. М.: Институт востоковедения РАН, 2006. С. 79.
- Так, на прошедшем недавно Всемирном экономическом форуме в Давосе президент ИРИ
- Х. Роухани заявил о возможности возобновления дипломатических отношений между Тегераном и Вашингтоном. Нельзя также сбрасывать со счетов сотрудничество американцев и иранцев по Афганистану, Ираку, палестинско-израильской проблематике.
- Х. Роухани посетит Таджикистан для усиления экономического сотрудничества двух стран // Деловой Иран. 23 октября 2013.